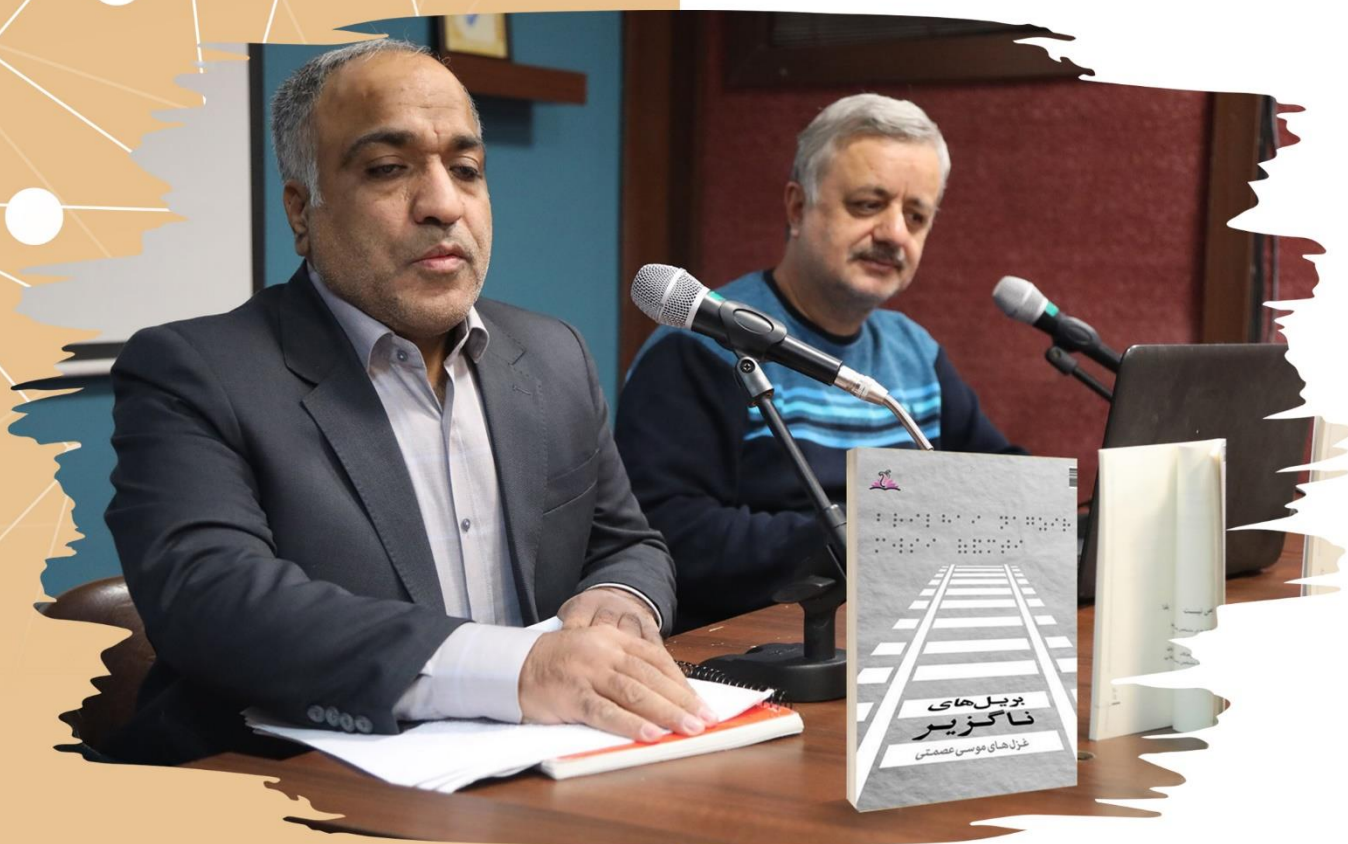


نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال دوم / شماره ۲۱ / شهریور ۱۴۰۲



برخی عناوین این شماره:

- * فروش خیال به رسانه‌ها/نگاهی به ابعاد واقعی عنوان سومی ورزش نابینایان در دنیا
- * مدارس تلفیقی، تلفیق بی‌مهری با دانش آموزان نابینا
- * سرنوشت ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان
- * به وقت جوانه زدن در پاییز: گذار از بحران بریل بر عهده متولیان آموزش
- * بریل‌های ناگزیر/نگاهی به آخرین اثر شاعر نابینا

صاحب‌امتیاز: انجمن نابینایان ایران

مدیرمسئول: امیر سردی

سر دبیر: امید هاشمی

نویسندگان: رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سردی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، صلاح‌الدین محمدی، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، امین عرب و امید هاشمی

ویراستار: فاطمه محسن‌زاده

ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان آذرماسوله، نگین حیدری، امیر سردی، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نابینایان کتابخانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامیان مالی: بانک مسکن، پرداخت الکترونیک سداد، شرکت دانش‌بنیان پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

فروش خیال به رسانه‌ها: نگاهی به ابعاد واقعی

عنوان سومی ورزش نابینایان در دنیا ۲

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران: (شهریور ۱۴۰۲)..... ۶

پیشخوان: مروری بر نشریات و پادکست‌های

انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی ۷

به‌وقت جوانه زدن در پاییز؛ گذار از بحران بریل بر

عهده متولیان آموزش ۱۰

بازار استانبول، محل تلاقی دریا و پرندگان و

آفتاب و آسمان ۱۲

دسترس‌پذیری در بازی‌های رایانه‌ای ۱۴

بریل‌های ناگزیر ۱۷

مدارس تلفیقی، تلفیق بی‌مهری با دانش‌آموزان

نابینا: معلم رابط، مفهومی رنگ‌باخته برای سیستم

آموزشی ۱۹

مدیریت هیجان؛ یک مهارت کلیدی ۲۲

استقامت قاصدک‌ها در غوغای توفان (آشنایی با

نشریه‌های اختصاصی افراد نابینا و کم‌بینا) ۲۵

سرنوشت ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان ... ۲۹

احمد رضا در آیینۀ منابع ۳۱

از سنندج گرم تا دالانپر سرد ۳۳

نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا ۳۶

یک سوزن به خودمان ۳۷

فروش خیال به رسانه‌ها: نگاهی به ابعاد واقعی عنوان سومی ورزش نابینایان در دنیا

امیر سرمدی: مدیرمسئول



مسابقات جهانی نابینایان پس از هشت سال وقفه در شهر بیرمنگام انگلستان برگزار شد که با کسب شانزده مدال رنگارنگ و کسب عنوان سومی دنیا برای کاروان ورزشی کشورمان به پایان رسید؛ به همین بهانه در این یادداشت قصد داریم نتایج ورزشکاران کشورمان در رشته‌های تیمی و انفرادی، حواشی پیش آمده پس از این رقابت‌ها برای ورزشکاران جودو و مبحث کیفیت‌گرایی در اعزام‌های ورزشکاران معلول به مسابقات بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهیم.

نگاهی به نتایج و مدال‌های کاروان ورزشی

ایران در مسابقات جهانی بیرمنگام

کاروان چهل و دونفره ایران با بیست و هفت ورزشکار در رشته‌های گل‌بال آقایان، فوتبال پنج‌نفره، جودو و پاورلیفتینگ در مسابقات جهانی نابینایان در شهر بیرمنگام حاضر شد. هفتاد و دو کشور دنیا در ده رشته ورزشی به مصاف هم رفتند که اوکراین با سی و یک طلا، یازده نقره و سه برنز در جایگاه نخست جدول رده‌بندی توزیع مدال‌ها ایستاد، لهستان با هفت طلا، پنج نقره و سه برنز دوم شد و ایران با شش طلا، شش نقره و چهار برنز عنوان سومی را از آن خود کرد. در رشته

پاورلیفتینگ، جواد قانع یک طلا و یک نقره، مهدی بهارزاده یک نقره و یک برنز، احد جواهری دو نقره، آرش حسن‌پور دو برنز، روحان احمدی دو طلا و رسول نصیری دو نقره به دست آوردند. در مجموع، تیم پاورلیفتینگ کشورمان با سه طلا، شش نقره و سه برنز عنوان قهرمانی این رشته را به دست آورد. در رشته جودو که دو جودوکار نابینا و دو جودوکار کم‌بینا راهی انگلستان شده بودند، وحید نوری، وحید جدی و موسی غلامی مدال طلا و میثم بنی‌طبا، به مدال برنز دست یافت.

ملی‌پوشان ایران در رشته‌های تیمی نتوانستند انتظارات را برآورده کنند؛ تیم ملی گل‌بال کشورمان در جایگاه هفتم دنیا قرار گرفت و تیم ملی فوتبال پنج‌نفره با کسب عنوان ششمی، سهمیه حضور در پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس را از دست داد.

سومی دنیا جایگاه واقعی ورزش نابینایان

ایران در سطح جهان نیست

اگر به نتایج کاروان کشورمان از منظر مقامات مسئول فدراسیون نابینایان نگاهی بیندازیم، نتایج بسیار درخشانی کسب شده و جمهوری اسلامی ایران در میان هفتاد و دو کشور شرکت‌کننده، عنوان سومی جهان را از آن خود کرده است، اما کسب این عنوان، نشان‌دهنده کیفیت واقعی ورزش نابینایان ایران در حوزه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی در دنیا نیست. در تورنمنتی که صدرنشینان جدول رده‌بندی توزیع مدال‌های چین، بریتانیای میزبان و آمریکا هیچ جایگاهی ندارند و اوکراین جنگزده و لهستان عناوین اول و دوم را از آن خود می‌کنند، خود‌گویای سطح کیفی کشورهای شرکت‌کننده در این رویداد است. واقعیت آن است که دوازده مدال به دست آمده در این رویداد، در رشته پاورلیفتینگ است که از دید کمیته بین‌المللی پارالمپیک اصلاً در ورزش نابینایان هیچ جایگاهی ندارد و در رقابت‌های پاراآسیایی و پارالمپیک به رسمیت شناخته نمی‌شود. چرا که کشورهای کمی به این رشته می‌پردازند و همان

نسل‌مانا

گل‌بال مردان میان دو تیم ژاپن و کره جنوبی برگزار می‌شود و در نهایت با قهرمانی ژاپنی‌ها به پایان می‌رسد؛ همان ژاپن که درست ده سال پیش و در مسابقات پاراآسیایی ۲۰۱۳ جوانان در مالزی، مغلوب گل‌بال کشورمان شده بود! چون در مسابقات پاراآسیایی هانگ‌کاو سهمیه‌ای برای پارالمپیک در رشته گل‌بال در نظر گرفته نشده است، ملی‌پوشان گل‌بال کشورمان باید تنها شانس باقی‌مانده خود را در مسابقات آسیا پاسیفیک امتحان کنند.

انتظار برای حضور مجدد در پارالمپیک به دوازده سال رسید

تیم ملی فوتبال پنج‌نفره که با کسب عنوان ششمی از میان شانزده تیم حاضر در بیرمنگام به کار خود خاتمه داد، دیگر رشته ناکام در مسابقات جهانی نایب‌نایان بود. با کسب این جایگاه آخرین فرصت برای کسب سهمیه پارالمپیک برای فوتبال نایب‌نایان کشورمان نیز از دست رفت. پیش از مسابقات جهانی بیرمنگام، کشورهای چین، مراکش، ترکیه و فرانسه سهمیه حضور در پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس را به دست آورده بودند. با توجه به نایب‌قهرمانی تیم چین در این رقابت‌ها، در صورتی که تیم کشورمان در میان چهار تیم برتر دنیا قرار می‌گرفت، بلیت حضور در فرانسه را برای خود ذخیره می‌کرد، اما در نهایت سه تیم آرژانتین، برزیل و کلمبیا سه سهمیه دیگر پارالمپیک در فوتبال پنج‌نفره را به دست آوردند. فدراسیون نایب‌نایان باید پاسخ دهد تیمی که در ۲۰۱۶ ریو عنوان نایب‌قهرمانی پارالمپیک را از آن خود می‌کند، حال چگونه حتی از کسب سهمیه پارالمپیک عاجز مانده است؟

ادعای نایب‌رئیس سابق فدراسیون می‌تواند باعث تعلیق فدراسیون نایب‌نایان شود

تیم ملی جودو نایب‌نایان نیز که به علت اتخاذ نگاه کیفیت‌مدار تنها با چهار ورزشکار عازم انگلستان شده بود، با سه مدال طلا و یک برنز به کار خود پایان داد و

تعداد اندک هم تابع قوانین و استانداردهای خواسته‌شده کمیته جهانی پارالمپیک (IPC) نیستند، پارالیفتینگ تنها در مسابقات جهانی زیر نظر فدراسیون جهانی نایب‌نایان (IBSA) شرکت داده می‌شود و از سال‌های دور، تیم کشورمان قهرمان بلامنازع این رشته در جهان بوده است. گفتنی است که علی‌رغم قهرمانی تیم پارالیفتینگ ایران؛ آن هم با دوازده مدال، حتی در این رشته هم ما شاهد کاهش کیفیت مدال‌ها هستیم و این تیم فقط توانسته سه مدال طلا به دست آورد. لذا مانور تبلیغاتی از سوی مسئولان فدراسیون برای کسب عنوان سومی جهان، تنها فروش یک جایگاه خیالی به رسانه‌ها است و بیانگر سطح واقعی ورزش نایب‌نایان ایران در دنیا نیست.

فاصله معنادار گل‌بال ایران با رقبای آسیایی



تیم ملی گل‌بال کشورمان هم نتوانست انتظارات را برآورده کند؛ هرچند پیش از اعزام نیز توقع کسب سهمیه پارالمپیک از این رویداد برای تیم ملی گل‌بال مردان متصور نبود، اما نوع بازی و نتایج به دست آمده توسط کشور ما چنگی به دل نزد و در نهایت با کسب عنوان هفتمی در میان چهارده کشور شرکت‌کننده در این رشته برای ایران به پایان رسید. تنزل جایگاه گل‌بال کشورمان در سال‌های اخیر از آن منظر قابل توجه است که تیم گل‌بال ایران در حدود ده سال پیش، رقبای آسیایی خود را به راحتی و با ده گل اختلاف ضربه‌فنی می‌کرد، اما این روند در یک دهه اخیر، آن چنان به صورت معکوس طی شده است که فینال مسابقات جهانی بیرمنگام در رشته

وی افزود: من هم می‌گویم که برخی از اینها می‌بینند، ولی پزشک و متخصص این کار نیستیم.

مراجع ذی صلاح سکوت نکنند



آنچه جای تأسف دارد، عدم رسیدگی به ادعاهای مطرح شده از سوی مقامات رسمی کشور نسبت به این تخلف احتمالی فدراسیون نایب‌نایان است. یا رئیس فدراسیون جودو و نایب‌رئیس سابق فدراسیون نایب‌نایان خلاف واقع می‌گویند یا فدراسیون نایب‌نایان در اعزام این جودوکاران دست به تقلبی آشکار زده است. از مراجع ذی صلاح انتظار می‌رود از کنار مسائل مطرح شده به این راحتی عبور نکنند و اجازه ندهند حق و حقوق ورزشکاران نایب‌نایان بیش از این تضییع شود؛ هرچند برخورد با این مسائل بخواهد خطر تعلیق فدراسیون نایب‌نایان و ورزش کشورمان را به همراه داشته باشد. در سال‌های اخیر، انتقادهای فراوانی نسبت به عملکرد رئیس فدراسیون نایب‌نایان مطرح شده است و نفرت بسیاری، از ورزشکاران گرفته تا مربیان، به‌صرف انتقاد از ایشان در اوج دوران ورزشی و مربیگری، از صحنه ورزش نایب‌نایان محو شده‌اند. برخی از آنها حتی به دنبال افسردگی‌های ناشی از اجحاف‌های روا داشته شده از سوی فدراسیون، در دام اعتیاد گرفتار شده‌اند.

با کنار گذاشتن ورزشکاران، داوران و مربیان نخبه، ورزش نایب‌نایان دچار خسارت‌های جدی شده است؛ به‌طوری‌که نایب‌رئیس مستعفی فدراسیون نایب‌نایان نیز در مصاحبه با روزنامه اعتماد بر این ادعاها صحه می‌گذارد و می‌گوید: گل‌بال رشته اصلی نایب‌نایان محسوب می‌شود، اما در حال حاضر جایگاه این رشته در

در بخش مردان عنوان قهرمانی و در مجموع مسابقات زنان و مردان، عنوان دومی را به خود اختصاص داد، اما پس از پایان مسابقات جهانی بیرمنگام، بار دیگر حواشی دامن این رشته را گرفت و این بار سخنان فائزه توسلی، نایب‌رئیس و عضو هیئت‌رئیس فدراسیون نایب‌نایان، که به‌تازگی از سمت خود استعفا کرده، بسیار جنجال‌برانگیز شده است.

توسلی در نامه‌ای که رونوشت آن به سرپرست وزارت ورزش و رئیس کمیته المپیک ارسال شده مدعی شده است: وحید نوری و جدی به‌ظاهر کم‌بینا هستند. این دو جودوکار به‌راحتی و با داشتن گواهینامه، رانندگی می‌کنند. پیش‌تر آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو، هم صحبت‌های مشابهی را مطرح کرده بود؛ تا جایی که سال گذشته و پس از مسابقات جهانی باکو، فدراسیون جودو از فدراسیون نایب‌نایان به دلیل اعزام ورزشکار بینای این رشته به رقابت‌های جهانی نایب‌نایان انتقاد کرد. در بیانیه فدراسیون جودو اشاره شده بود: وحید جدی در چند سال گذشته در اردوهای تیم ملی جودو مردان ایران به‌صورت منظم و در صحت و سلامتی کامل حضور داشته و همراه با تیم ملی جودو کشورمان نیز در سال ۱۴۰۱، در سه رویداد بین‌المللی شامل تورنمنت چندجانبه بغداد، تورنمنت چهارجانبه روسیه و بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی قونیه به‌عنوان نماینده تیم ملی جودو ایران حضور داشته است، اما وحید جدی در واکنش به این تخلف گفت: با وجود حضور در تیم ملی جودوی افراد بینا، کلاس‌بندی من بی‌۲ است و هیچ مشکلی برای مسابقه در بخش نایب‌نایان ندارم.

علی‌اصغر هادی‌زاده، مسئول کمیته فنی فدراسیون نایب‌نایان، در واکنش به این حواشی، در یک تسامح آشکار گفت: بارها دیده‌ام ورزشکاران ازبکستانی با اتومبیل‌های خود برای کلاس‌بندی می‌آیند و کلاس‌بندها نیز می‌بینند که این افراد رانندگی می‌کنند، اما قرار نیست آنها با عینک و لنز مسابقه دهند. وقتی این ورزشکاران عینک و لنز را بردارند، دیگر نمی‌بینند.

نسل‌مانا

۵

اعزام ناقص تیم ملی جودو؛ آن‌هم با دو ورزشکار تقلبی، تنها یک معنا دارد؛ توسعه ورزش قهرمانی نابینایان برای آقایان کوچک‌ترین اهمیتی ندارد، بلکه تنها چیزی که از نظرشان اهمیت دارد، کسب انواع مدال‌ها است که به این وسیله رزومه مدیریتی آقایان را غنی‌تر کنند و بر تحقق نیافتن سیاست‌های زیربنایی از جمله استعدادیابی در رده پایه، پیشرفت رشته‌های تیمی و حضور فعال ورزشکاران در کلاس بی ۱، سرپوش بگذارند.

این در حالی است که در سایر کشورها، نگاه به ورزش معلولان بسیار متفاوت است. آنها در وهله نخست ورزش را برای معلولان به‌عنوان یک ابزار توان‌بخشی و در اولویت‌های بعدی، شرکت در رویدادهای جهانی را به‌منزله یک دوره‌می فرهنگی ورزشی برای معلولان قلمداد می‌کنند و کسب مدال، اولویت آخر آنها است. متأسفانه رویکرد کیفی‌گرایی همچنان در مسابقات پارا آسیایی پیش‌رو که در شهر هانگژو چین برگزار خواهد شد برای کاروان جانبازان و معلولان کشورمان لحاظ شده و کاروان نابینایان کشورمان با ۶۲ ورزشکار در ۶ رشته ورزشی اواخر مهرماه به مصاف حریفان خود خواهند رفت و به ادعای رئیس فدراسیون، جایگاه ورزشکاران نابینا و کم‌بینا که در دوره گذشته این مسابقات در جاگارتای اندونزی موفق به کسب ۱۵ مدال طلا، ۱۴ نقره و ۱۹ برنز شده بودند، افت نخواهد کرد.



بخش زنان و مردان کجاست؟ بهترین ورزشکاران و مربیان این رشته کنار گذاشته شده‌اند؛ بدون اینکه کسی علت آن را بیان کند. رئیس انجمن گلوبال شخص آقای مظلومی است که نه نایب‌رئیس دارد و نه دبیر! او رشته گلوبال را با خودخواهی‌های خود به نابودی کشانده است. طی پنج سال اخیر سعی کردیم تخلفاتی را که توسط آقای مظلومی در سه حوزه صورت گرفته است، به‌صورت آبرومندانه حل‌وفصل کنیم. چرا باید رئیس فدراسیون سی و هفت میلیون تومان حقوق بگیرد، اما همکاران من در فدراسیون دریافت‌های حداقلی داشته باشند؟ در تمام اعزام‌ها ایشان همراه تیم حضور دارند. وقتی می‌خواستیم استعفا بدهم در اتاق من را قفل کرده بودند تا امکان دسترسی به سیستم نداشته باشیم.

افراط در کیفیت‌گرایی آفت ورزش معلولان در سال‌های اخیر

یکی دیگر از مواردی که در یک دهه اخیر ورزش معلولان، خاصه نابینایان را دستخوش اتفاق‌های تلخ کرده و باعث از بین رفتن انگیزه در میان بسیاری از ورزشکاران حرفه‌ای شده، توجه افراط‌گونه به مبحث اعزام کیفی به رویدادهای جهانی است. مسئولان کمیته ملی پارالمپیک و فدراسیون نابینایان به‌اندازه‌ای در این بحث دچار افراط شدند که به دلایل واهی از اعزام تیم ملی فوتبال نابینایان به پارالمپیک ۲۰۲۰ توکیو، علی‌رغم کسب سهمیه و عنوان نایب‌قهرمانی در ۲۰۱۶ ریو جلوگیری کردند و خسارت‌های زیان‌بار آن تصمیم دوری هفت‌ساله تیم ملی فوتبال نابینایان از رویدادهای جهانی، باعث کسب نکردن سهمیه در ۲۰۲۴ پاریس شد. چه کسی باید پاسخ‌گوی شرکت نکردن دوازده‌ساله فوتبال نابینایان ایران در پارالمپیک و نابودی یک نسل باشد؟ در یک مثال دیگر فدراسیون نابینایان به دلیل کیفیت‌گرایی از اعزام کامل تیم ملی جودوی نابینایان به رقابت‌های جهانی بیرمگام خودداری کرد؛ در صورتی که تیم ایران می‌توانست با هشت جودوکار در این رقابت‌ها حاضر شود و حتی در مسابقات تیمی نیز شرکت کند.

نسل‌مانا

این سبد به بیش از یک میلیون تومان بالغ می‌شد؛ چراکه علاوه بر برنج و روغن، گوشت و مرغ هم در میان اعضا توزیع شد. همچنین با عنایت به اینکه به ابتدای سال تحصیلی رسیده‌ایم، در حال برنامه‌ریزی هستیم که بتوانیم در میان اعضای نیازمند، نوشت‌افزار هم توزیع کنیم. پیش‌بینی می‌شود بتوانیم حدود سیصد بسته نوشت‌افزار را در اختیار خانواده‌های کم‌بضاعتی که سرپرست نابینا دارند قرار دهیم.

طبیعت‌گردی‌های انجمن هم حالا دیگر جایگاه ویژه‌ای در بین برنامه‌های ما پیدا کرده و به یکی از برنامه‌های ثابت تبدیل شده است. گلگشت در مناطق آهار و شکرآب و گرمدره، از جمله برنامه‌های طبیعت‌گردی بود که انجمن در طول شهریور برگزار کرد. این رویدادها از سوی نابینایان با استقبال ویژه‌ای روبه‌رو شد و سعی داریم برنامه‌هایی از این دست را گسترش دهیم. شهریور که به نیمه می‌رسد، مثل هر سال در انجمن نابینایان ایران شروع به نامه‌نگاری و پیگیری می‌کنیم تا آیین‌های مربوط به ۲۳ مهر و روز جهانی ایمنی عصای سفید را به‌خوبی و باشکوه برگزار کنیم. امسال هم پیگیری‌های لازم انجام شده است تا تمامی اپراتورهای تلفن همراه، دستگاه‌های خودپرداز و کارت‌خوان، وبگاه‌های شبکه بانکی و سایر مراجعی که مردم در طول روز با آنها سروکار دارند، شعارهای مرتبط با این روز را نمایش دهند تا وجود چنین روزی و حقوق افراد با آسیب بینایی به عموم جامعه یادآوری شود. لازم است متذکر شوم که با توجه به اینکه شعار سال گذشته محقق نشد، ما تصمیم گرفتیم امسال هم تا تحقق همان شعار، از همان شعار پارسال استفاده کنیم؛ چراکه در حقیقت «فرصت برابر، در گرو اجرای دقیق قانون حمایت» به وجود خواهد آمد. امیدواریم این قانون از شکل زینتی خارج شود و جنبه اجرایی پیدا کند و تمامی مسئولین، سازمان‌ها و نهادها به وظایفشان در قبال اجرای بی‌کم‌وکاست این قانون، پایبند باشند. از سوی دیگر، مشغول پیگیری هستیم تا مراسمی درخور را هم

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران:

(شهریور ۱۴۰۲)

منصور شادکام: قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران



مخاطبان نسل مانا و انجمن نابینایان می‌توانند در ادامه، گزارش عملکرد یک‌ماهه انجمن نابینایان ایران را بخوانند که مهندس منصور شادکام، قائم‌مقام انجمن، آن را تهیه کرده است. این گزارش در قالب یک پرونده صوتی هم ذیل همین نوشته در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

در ابتدا لازم می‌دانم فرارسیدن ایام سوگواری دهه پایانی ماه صفر را به همه مخاطبان تسلیت عرض کنم و از درگاه خداوند آرزو کنم که عزاداری‌های عزیزان، مقبول درگاه پروردگار قرار بگیرد. همچنین از همه کسانی هم که پیگیر کسالت این‌جانب بوده‌اند، کمال سپاس‌گزاری را دارم. از حامیان مالی ماهنامه نسل مانا نیز تشکر می‌کنم که بدون حمایت آنها امکان انتشار این ماهنامه فراهم نمی‌شد. سپاس دیگرم را تقدیم تحریریه نسل مانا می‌کنم که با تلاشی شبانه‌روزی، به‌روزترین و مفیدترین مطالب ممکن را برای مطالعه مخاطبان نابینا فراهم می‌کنند. از جناب آقای رنجبر در کتابخانه عمومی یزد هم به‌طور ویژه قدردانی می‌کنم که زحمت چاپ بریل نشریه را به عهده دارند و به بهترین شکل، همراهه، این کار را به سرانجام می‌رسانند. انجمن این ماه هم همچون ماه‌های گذشته پیگیر مطالبات نابینایان بوده است. همچون همیشه، توزیع سبد کالا در میان نابینایان نیازمند، از جمله فعالیت‌های ما بوده است. این ماه ارزش

پیشخوان: مروری بر نشریات و پادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

در این شماره ابتدا با یک نویسنده و کنشگر قدیمی در حوزه افراد با آسیب بینایی آشنا خواهیم شد. سپس به سراغ صفحه‌خوان محبوب جاز خواهیم رفت که امکانی تازه و کاربردی را در اختیار کاربران نسخه آینده‌اش گذاشته است و در پایان هم دو فناوری تازه را بررسی خواهیم کرد که به نابینایان در خرید کردن و مدیریت مایحتاج منزل کمک می‌کند.

دسترس‌پذیری در نوک انگشتان شماست



جمله بالا، در پیشانی صفحه اصلی وبگاه شخصی خانم «جودی دیکسن»^۱ حک شده است. او که در نهمین روز از تولدش نابینا تشخیص داده شده، از قدیمی‌های کنشگری در حوزه آموزش به نابینایان در ایالات متحده است. جودی تقریباً چهار سال است که در زمینه آموزش بریل، جهت‌یابی و حرکت و فناوری‌های جدید به افراد با آسیب بینایی فعالیت می‌کند. او از کنشگران قدیمی در زمینه دسترس‌پذیری اینترنت برای نابینایان هم محسوب می‌شود. جودی از جمله معدود نابینایانی است که در آغازین روزهای انفجار اینترنت، لزوم دسترس‌

در روز ۲۳ مهر برگزار کنیم و عده‌ای از مسئولین، حامیان، هنرمندان و ورزشکاران و افراد نابینا و خانواده‌هایشان را دعوت کنیم تا در این دوره‌ی، اهداف این روز جهانی را گرامی بداریم. بدیهی است نمی‌توانیم از همه نابینایان میزبانی کنیم، اما سعی خواهیم کرد به فراخور امکانات، پذیرای نابینایان و خانواده‌هایشان باشیم. در این مراسم همچنین قرار است از دفترهای فعال و نمایندگی‌هایی که بیشترین فعالیت را در زمینه جامعه هدف داشته‌اند، تقدیری شایسته به عمل آید. تدارک برای مقدمات برگزاری جشنواره کتاب افراد معلول ایران (کاما) از دیگر فعالیت‌های ما در طول ماه شهریور است. در حال حاضر تعداد آثار ارسالی به دبیرخانه جشنواره، چه از سوی نویسندگان دارای معلولیت و چه کسانی که درباره معلولان نوشته‌اند، قابل توجه است و آمار دقیق آن، به‌زودی از همین طریق به اطلاع عموم خواهد رسید. قرار است در طول ماه مهر این آثار برای دوری در اختیار خانه کتاب ایران قرار گیرند. اختتامیه این جشنواره در روز هفت آذر به شکلی شایسته برگزار خواهد شد و امیدواریم همگان بتوانند شاهد توانمندی‌های نخبگان جامعه معلولان باشند. آزمون استخدامی آموزش و پرورش، دیگر حوزه‌ای است که از همان روزهای نخستین، پس از اعلام نتایج، مورد توجه انجمن نابینایان ایران بوده است. دوستان نابینا اطلاعاتی در مورد چگونگی اجرای آزمون در اختیار ما گذاشتند و ما هم با بهزیستی نامه‌نگاری کردیم و آنها را مطلع کردیم که شیوه مصاحبه‌ها تغییر کرده و ممکن است اجحافی در حق داوطلبان نابینا صورت گیرد، اما لازم است به‌صراحت عرض کنم که با سهل‌انگاری و مسامحه و کندی از سوی مسئولین بهزیستی مواجه شدیم و مدت زیادی طول کشید تا داوطلبان نابینا دوباره به مصاحبه فراخوانده شدند. امیدواریم این رویه در سال‌های آتی تکرار نشود و شاهد اتفاق‌هایی از این دست نباشیم.

^۱ Judy Dixon

بشناسیم و مفهوم و معنای هر کدام از اصطلاحات را بدانیم تا بتوانیم بدون نیاز به مراجعه به دیگران، بر مبنای متنی که می‌نویسیم و شخصی که قرار است متن را بخواند، جلوه‌های بصری را روی نوشته‌مان اعمال کنیم. او توضیح می‌دهد که مثلاً بسیاری از منابع آموزشی ویژه نایبانیان، به مخاطب می‌آموزند که چطور باید فونت موردنظرشان را انتخاب و اندازه را تنظیم کنند، اما هیچ‌گاه توضیح نمی‌دهند که تفاوت بین فونت‌ها از چه چیزی ناشی می‌شود و برای مثال فرق بین یک فونت سنتی با فونت مدرن در چیست.

پاورپوینت، دیگر سوژه‌ای است که جودی آن را دستمایه تألیف و تدوین کتاب کرده است. او خود از جمله نایبانیانی است که عادت داشته مطالبی را که می‌خواهد در قالب اسلاید نمایش دهد، به شکل ورد در اختیار همکاران بینا بگذارد و از آنها بخواهد تا آنها را وارد پاورپوینت کنند، اما حالا خودش کتابی نوشته است که به نایبانیان آموزش می‌دهد چطور باید از جلوه‌های پاورپوینت استفاده کنند تا اسلایدهایشان چشم‌نوازتر باشد. او در این باره هم آموزش می‌دهد که کجا باید از جلوه‌های بصری بیشتری استفاده کرد و در چه شرایطی کمتر باید به سراغ این جلوه‌ها رفت. او توضیح می‌دهد که تفاوت در رنگ‌بندی اسلایدها چه کمکی به تعمیق یادگیری و جلب توجه مخاطب می‌کند. خلاصه از این دست موضوع‌ها در کتاب قدرت پاورپوینت^۲ فراوان یافت می‌شود.



نایبانیان به این امکان را به‌درستی تشخیص داد و برای این کار تلاش‌های فراوانی هم انجام داد.

بهانه ما برای گفتن از جودی دیکسن، حضور او در یکی از آخرین شماره‌های پادکست هفتگی «آیز آن ساکس»^۱ است. دامنه فعالیت‌های جودی آن‌قدر گسترده است که این، هفتمین باری است که پیت و نانسی او را برای حضور در پادکست نیم‌ساعته‌شان انتخاب می‌کنند. آنها این بار او را دعوت کرده‌اند تا درباره آخرین کتابی که منتشر کرده است گفتگو کنند. جودی درباره موضوع‌های گوناگون مرتبط با مسائل نایبانیان کتاب می‌نویسد و تا به حال هفده کتاب با این موضوع‌ها منتشر کرده است. او اخیراً دو کتاب در مورد چگونگی استفاده از میکروسافت ورد و پاورپوینت منتشر کرده است. شاید بگویید انتشار راهنمای استفاده از ورد و پاورپوینت برای کاربران نایبنا، اتفاق ویژه‌ای به حساب نمی‌آید، اما رویکرد جودی به این موضوع کمی با بقیه فرق می‌کند. او درباره تفاوت کتاب‌هایش با بقیه کتاب‌های موجود، به‌طور مفصل برای شنوندگان این پادکست توضیح می‌دهد.

جودی معتقد است کتاب‌هایی که تا به حال منتشر شده است، همگی جنبه‌های فنی ورد را موردنظر قرار داده‌اند؛ این در حالی است که اهمیت جلوه‌های دیداری هم کم از ابعاد فنی نیست. او در این باره این‌طور توضیح می‌دهد که وقتی یک فرد نایبنا در فضایی کار و زندگی می‌کند که با افراد غیر نایبنا تعامل و همکاری دارد، فایل‌های مکتوبی که در اختیار سایرین می‌گذارد، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تعامل او با سایرین محسوب می‌شود. کاربر بینا وقتی یک پرونده ورد را باز می‌کند، ناخودآگاه اولین چیزی که به آن توجه می‌کند، وضع ظاهری آن فایل است. پس از این او شروع به خواندن محتوای فایل می‌کند. وضع ظاهری فایل می‌تواند در ذهن سایرین نسبت به ما و محتوایی که نوشته‌ایم، پیش‌داوری ایجاد کند؛ بنابراین ما باید به‌درستی جلوه‌های دیداری را

^۲ The Power of Powerpoint

^۱ Eyes on Success

نسل‌مانا

کنند؛ به‌عنوان مثال ما می‌توانیم بفهمیم که صورت‌مان در کجای تصویر قرار دارد؛ مرکز یا چپ و راست. همچنین میزان نور محیط هم به ما اطلاع داده می‌شود. افزون بر این، صفحه‌خوان می‌تواند ما را راهنمایی کند که سر یا تنمان را به کدام سمت حرکت دهیم تا در زاویه‌ی درستی قرار بگیریم. حتی این امکان هم در نظر گرفته شده است که به‌محض خروج کاربر از کادر صحیح، هشدار می‌دهد و پخش شود و صفحه‌خوان او را راهنمایی کند تا به کادر درست برگردد.

یکی دیگر از مشکلات نابینایان در حضورهای تصویری این است که نمی‌دانند دوربین در حال حاضر غیر از خودشان، چه چیزهای دیگری را برای حاضران در جلسه‌ی برخط مخابره می‌کند. این نگرانی همیشه وجود دارد که نکند چیزی در پس‌زمینه باشد که نمایشش در جلسه‌ی برخط به صلاح نیست. به این منظور هم امکانی در نظر گرفته شده که صفحه‌خوان، گزارشی از آنچه غیر از خود فرد، در تصویر دیده می‌شود، به او می‌دهد؛ به این ترتیب کاربران می‌توانند با خیالی آسوده‌تر در جلسه‌های برخط، حضوری تصویری داشته باشند. چنانچه شنونده‌ی نسخه‌ی صوتی پیشخوان باشید، نمونه‌ای صوتی از چگونگی کار کردن با این قابلیت و پیغام‌هایی را که صفحه‌خوان به کاربر می‌دهد خواهید شنید.

آسان‌تر شدن خرید کردن نابینایان با فناوری تازه

یکی از مشکلاتی که اروپا این روزها با آن دست‌به‌گریبان است، موضوع پیری جمعیت است. جمعیت که پیر می‌شود، مشکلات جانبی به وجود می‌آید، از جمله تعداد افراد با آسیب بینایی افزایش می‌یابد؛ افرادی که دولت‌ها باید برای تسهیل زندگی‌شان فکری بکنند. در حال حاضر چیزی حدود سی میلیون فرد با آسیب بینایی در اروپا زندگی می‌کند و پیش‌بینی می‌شود این تعداد تا ۲۰۵۰ دو برابر شود. این آمار در انگلستان،

جودی غیر از همه‌ی اینها، ورزشکاری حرفه‌ای و گنجینه‌دار نیز هست. او دو گنجینه را در خانه‌اش نگهداری می‌کند؛ یکی گنجینه‌ای از انواع لوح و قلم و سایر ادوات نوشتن بریل و دیگری ماکت‌هایی از ساختمان‌ها یا افراد معروف سراسر جهان. در نسخه‌ی صوتی پیشخوان راجع به افتخارات ورزشی جودی و انجمنی که او سالیان سال است در هیئت‌مدیره‌اش عضویت دارد و به نابینایان اسکی کردن می‌آموزد خواهیم گفت و به‌علاوه به سراغ گنجینه‌اش هم خواهیم رفت و توضیح خواهیم داد که او چه جور لوح و قلم‌هایی از کدام کشورهای دنیا در این گنجینه نگهداری می‌کند.

مدیریت دوربین در رایانه به کمک یک قابلیت خلاقانه در جاز

قرنطینه‌های کرونایی به ما آموختند که می‌توان کارها را به شکل برخط هم پیش برد. می‌توان در خانه نشست و به‌جای صرف وقت و هزینه برای شرکت در یک جلسه‌ی حضوری، جلسه‌ای برخط را با بهترین امکانات برگزار کرد. دو سال قرنطینه‌ی خانگی باعث شد پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌ی امکانات برگزاری جلسات برخط به وجود آید، البته در این میان، ما نابینایان با چالش‌های جدی روبه‌رو بودیم و هستیم. یکی از مشکلاتی که تا به امروز حل نشده است، اما به‌زودی به مدد یک قابلیت تازه در صفحه‌خوان جاز^۱ حل خواهد شد، مدیریت وبکم یا دوربین رایانه‌مان است. اغلب‌مان به‌خاطر اینکه نمی‌توانیم دوربین رایانه را مدیریت کنیم، ترجیح می‌دهیم حضوری صرفاً صوتی در جلسات داشته باشیم، اما حالا جاز قرار است در نسخه‌ی ۲۰۲۴ امکان مدیریت دوربین رایانه را در اختیار ما بگذارد.

برت لویس^۲ در آخرین شماره از پادکست «افاس‌کست»^۳ توضیح می‌دهد که کاربران می‌توانند در نسخه‌ی ۲۰۲۴ اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی آنچه دوربین لپ‌تاپ در حال مخابره به جلسه برخط است، دریافت

^۱ FSCast

^۱ JAWS Screen reader

^۲ BRETT LEWIS:

به وقت جوانه زدن در پاییز؛ گذار از بحران بریل بر عهده متولیان آموزش زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران



پاییز که می‌شود، هوا پر می‌شود از عطرهای خوب؛ بوی نم باران و خاک باران خورده، بوی نارنگی‌های سبز، بوی کاغذ، بوی کیف و کوله‌های مدرسه... اصلاً انگار همه زیبایی‌های زندگی یکجا در پاییز جمع شده‌اند و بی‌جهت نیست که می‌گویند: «پادشاه فصل‌ها پاییز!»

اما برای ما معلم‌ها، البته اگر شغل‌مان را با عشق انتخاب کرده باشیم؛ پاییز رنگ و بوی دیگری دارد. اول مهر هر سال دوباره عاشق می‌شویم و تمام مهرمان را با خود به مدرسه می‌بریم و وقتی شور و حال کودکان دبستانی را در مدرسه می‌بینیم، انگار اصلاً دوباره زنده می‌شویم. انگار امید دوباره در ما متولد می‌شود و قلبمان گره محکم‌تری به زندگی می‌خورد. از هر کودک دبستانی که پیرسی برای چه به مدرسه آمدی، می‌گوید آمده است که باسواد شود و چه زیبا مهم‌ترین هدف آموزش را در ساده‌ترین و کودکانه‌ترین صورت ممکن بیان می‌کنند. دلت می‌خواهد عاشقانه نگاهش کنی و بگویی که تمام خودت را می‌گذاری تا باسواد شود. دلت می‌خواهد هرچه در توان داری بگذاری تا هم او به آرزویش برسد و هم

حدود دو میلیون نفر است؛ به همین دلیل هم «آران‌آی‌بی»^۱ بسیار تلاش می‌کند تا مشکلات فراوان این افراد را حل کند.

دسترسی به اطلاعات روی بسته‌های غذایی و بهداشتی، همیشه از چالش‌های بزرگ نابینایان بوده است. حالا کمپانی انگلیسی به نام «زپار»^۲ در همکاری با آران‌آی‌بی سعی کرده است به کمک یک اپلیکیشن بارکدخوان، این مشکل را برطرف کند. مشتری نابینا می‌تواند اپلیکیشنی موسوم به «زپوین»^۳ را روی گوشی نصب کند و با اسکن بارکد، اطلاعات دقیقی مربوط به قیمت، تاریخ انقضا و سایر جزئیات محصولات را دریافت کند. تاکنون برندهای معروفی به کمپین زاپار پیوسته‌اند و روزبه‌روز هم تعدادشان زیادتر می‌شود.

«نویلنز»^۴ نام شرکت دیگری است که در همین زمینه با آران‌آی‌بی همکاری می‌کند. این شرکت بارکدهایی را طراحی کرده که دوازده بار بزرگ‌تر از بارکدهای معمولی هستند و برای شناسایی‌شان نیاز نیست دوربین حتماً دقیقاً روی بارکد متمرکز باشد. این برنامه می‌تواند بارکدها را حتی از زاویه ۱۶۵ درجه شناسایی کند. طراحان این فناوری مدعی شده‌اند که می‌توان این برنامه را به ۳۶ زبان مختلف استفاده کرد و این نرم‌افزار کاربردی قادر است اطلاعات بیش از پنج میلیون محصول را در اختیار کاربران نابینا بگذارد. نویلنز در موقعیت‌های دیگری هم استفاده شده است که در نسخه صوتی پیشخوان به تفصیل درباره‌اش گفتگو خواهیم کرد.

شما می‌توانید نسخه صوتی مربوط به این شماره را از وبگاه نسل‌مانا و کانال‌های ما در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها دریافت کنید.

^۲ Zapvision

^۴ NaviLens

^۱ RNIB

^۲ Zappar

نگرفته‌ایم و بسیاری هنوز از خط بریل در قالب نوشتن با لوح و قلم استفاده می‌کنند و این در حالی است که به‌کارگیری ابزارهای نوظهور می‌تواند خواندن و نوشتن را بسیار تسهیل کند.

متأسفانه برخی دانش‌آموزان در مدارس تحصیلی می‌کنند که آموزگار هیچ‌گونه آشنایی با خط بریل ندارد و این دانش‌آموز یا از امکان داشتن معلم ویژه یا رابط محروم است یا زمانی حدود دو ساعت در هفته را با او می‌گذراند که به‌هیچ‌عنوان برای یادگیری صحیح خواندن و نوشتن کافی نیست و تأسف‌بارتر اینکه در مدارس ویژه نیز، کمابیش، با این دست مشکلات روبه‌رو هستیم؛ در نتیجه یا اصلاً دانش‌آموزان، خواندن و نوشتن به خط بریل را نمی‌آموزند یا آموزش کیفیت لازم را ندارد.

گروه دیگری از دانش‌آموزان نیز به‌واسطه باقی‌مانده بینایی‌شان فقط با خط تحریری آشنا می‌شوند و اصلاً خط بریل را نمی‌آموزند و متأسفانه در برخی موارد به دلیل کافی نبودن میزان بینایی برای خواندن و نوشتن با افرادی مواجه هستیم که نوشته‌هایشان خوانا نیست. ممکن است کسانی بپرسند: مگر چند نفر چنین شرایطی دارند؟ در پاسخ ایشان باید گفت با توجه به کارکرد نوشتار به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال پیام و هدف آموزش، حتی وجود یک نفر با چنین شرایطی، یعنی اینکه نظام آموزشی کار خود را به‌درستی انجام نداده است و تعداد پایین موارد ناموفق از وخامت اوضاع نمی‌کاهد.

با ورود دانش‌آموزان به مقطع متوسطه و افزایش حجم درس‌ها، بسیاری خواندن و نوشتن بریل را کنار می‌گذارند و درس‌ها به‌صورت صوتی ارائه می‌شود، فعالیت‌ها و آزمون‌ها نیز توسط یک نفر منشی برگردان می‌شود و اینجاست که بیش از هر زمان دیگری به توانایی خواندن و نوشتن و املاي دانش‌آموزان آسیب می‌رسد و خود به دست خود، یکی از زمینه‌های وخامت

تو به عشقت، اما بازهم مانند بیشتر موقعیت‌های دیگر، اوضاع در مورد کودکان با آسیب بینایی اندکی متفاوت و شاید پیچیده‌تر است.

وقتی کودکی با آسیب بینایی وارد نظام آموزش رسمی می‌شود؛ صرف‌نظر از اینکه به مدرسه کودکان با نیازهای ویژه بیاید یا در مدارس پذیرا ثبت‌نام شود، تصمیم‌گیری در مورد روش مناسب خواندن و نوشتن این کودک، امری مهم و کاملاً تخصصی است که متأسفانه در بیشتر موارد از قلم می‌افتد. شاید باور این مطلب خیلی ساده نباشد که ما هم‌اکنون با نمونه‌هایی مواجه هستیم که با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی، توانایی خواندن و نوشتن ندارند یا به قول خودشان از ابتدا با سیستم صوتی درس خوانده‌اند! آیا چنین حالتی پذیرفتنی است؟ هنوز بسیاری از معلمان و حتی تعدادی از کارشناسان، خط بریل را نمی‌شناسند. یکی فکر می‌کند که خط بریل همان خط معمول و فقط برجسته است و دیگری که مدعی شناخت بریل است، تصور می‌کند در این نظام نوشتاری باید تمام کلمه‌ها را برعکس بنویسی تا بتوانی با برگرداندن کاغذ به سمت برجسته، آن را درست بخوانی! باور کنیم یا نکنیم، متأسفانه هیچ‌کدام از موارد بالا خیال نیست، کابوس نیست و تنها واقعیتی تلخ و زهرآگین است.

فدراسیون ملی نابینایان آمریکا در سال ۲۰۰۹م از شرایط خواندن و نوشتن افراد با آسیب بینایی به‌عنوان «بحران خط بریل» یاد و در گزارشی بیان کرد که آموزش و استفاده از خط بریل در میان افراد با آسیب بینایی کاهش یافته است، اما امروزه با پیوند دانش و فناوری شاهد استفاده از شکل مدرن خط بریل به‌صورت به‌کارگیری ابزارهای الکترونیک مانند نمایشگرهای بریل برای خواندن و نوشتن هستیم و افراد با آسیب بینایی همچون گذشته از خط بریل، البته نه در شکل سنتی آن استفاده می‌کنند. در کشور ما با وجود آگاهی از رشد فناوری‌های نوین و حتی تولید نمونه‌های مشابه خارجی در داخل کشور، هنوز از شکل سنتی خواندن و نوشتن بریل فاصله

بازار استانبول، محل تلاقی دریا و

پرنده‌گان و آفتاب و آسمان

فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش
استثنای گیلان

لیلا و مجید خانه‌ای بزرگ اجاره کرده‌اند. یک خانم موتورسوار ایرانی کلید خانه را در دستشان گذاشته است. خانه سه اتاق خواب دارد که در مجموع پنج تخت دوفره را در خود جای داده است؛ همراه با سرویس بهداشتی مجهز و زیبا، آشپزخانه بزرگ بسته، سالن پذیرایی با مبل و کاناپه و یک میز ناهارخوری دوازده نفره. خانه وای‌فای و تلویزیون هوشمند هم دارد که به راحتی می‌شود از تمام برنامه‌هایش برای ساختن لحظاتی شاد استفاده کرد.



لیلا را بعد از چند سال دوری، جلوی خانه سارا در آغوش می‌گیرم؛ دوست عزیزی که وقتی از شهر رشت کوچ کرد، گویی تکه‌ای از وجود مرا هم با خود برد. او همیشه بهترین‌ها را برای من می‌خواست و کمک می‌کرد تا خود را با لحظه‌های سخت زندگی تطبیق دهم. بگذریم!

صبح‌ها در حالی از خواب بیدار می‌شویم که پرنده‌گان دریایی بیرون از پنجره آواز می‌خوانند. صبح‌های خیلی زود با لیلا و مجید از خانه بیرون می‌رویم و درحالی‌که هوا هنوز تاریک است، وارد یکی از رستوران‌ها می‌شویم و پیش‌غذای گرم می‌خوریم که در آن سرما عجیب می‌چسبد! گاهی یک کاسه سوپ عدس، گاهی املت، تخم‌مرغ همراه با چای و نان سیمیت برشته. بعد، از فروشگاه هر آنچه را که در خانه موردنیاز است مانند میوه، سبزی، گوشت، نان، مواد شوینده و آب می‌خریم و به خانه می‌بریم. صبحانه می‌خوریم و راهی یکی از بازارهای معروف استانبول می‌شویم. یکی از تجربه‌های من خوردن نان و پنیر به همراه برشی از آووکادو است که بسیار دلپذیر است.

املا و نوشتار دانش‌آموزان را فراهم می‌کنیم و یادمان می‌رود اینها همان‌هایی هستند که در اولین روز مدرسه به ما گفتند آمده‌اند که باسواد شوند.

در صحبت با دوستان با آسیب بینایی گاهی می‌بینیم برخی اصلاً اهمیت یادگیری خواندن و نوشتن بریل را نمی‌پذیرند و این درد زمانی بیشتر می‌شود که این نظرات را از افراد تحصیل کرده و صاحب‌نام در جامعه افراد با آسیب بینایی می‌شنویم.

شاید نقل‌قولی از یکی از دوستان به ما کمک کند دریچه نگاهمان را به اهمیت خواندن و نوشتن بریل کمی تغییر دهیم. داستان از این قرار است که دوست ما وکیل و مدرس دانشگاه است و همواره با اتکا به قدرت شگفت‌انگیز حافظه‌اش توانسته جلسات و کلاس‌های موفق داشته باشد، اما می‌گوید احساس می‌کنم با افزایش سن و انبوه اطلاعات موردنیازم و تغییرات مدام تبصره‌ها، دیگر نمی‌توانم تنها روی حافظه حساب کنم و داشتن یادداشت را برای خودم ضروری می‌دانم. او خاطره‌ای نقل می‌کند و می‌گوید: «در یکی از کلاس‌ها که متن تبصره موردنظرم را فراموش کرده بودم، از ترفند معلمی‌ام استفاده کردم و از یکی از دانشجویان خواستم تبصره را بخواند و پس از پایان خواندن تبصره، دانشجوی دیگری با شیطنت گفت: استاد! بقیه را هم خودمان در خانه می‌خوانیم...» می‌دانیم که چنین رویدادی هیچ از ارزش و اعتبار آن استاد محترم نمی‌کاهد و هدف ما از ذکر آن تنها رسیدن به اهمیت توانایی خواندن و نوشتن است.

در اهمیت خواندن و نوشتن و ضرورت یادگیری خط بریل برای افراد با آسیب بینایی، هرچه بگوییم و هرقدر بنویسیم کافی نیست. ای کاش همه بدانیم که پاییز، نه شروع خواب زمستانی که آغاز بیداری است و متولیان آموزش برای گذار از این بحران، چاره‌ای بیندیشند.

دو سوی آن مانع از وزش تندباد می‌شود، اما هوا همچنان سرد است.

یک روز به پیشنهاد یکی از دوستان مجید برای ناهار به رستورانی در اسکودار می‌رویم و دونه کباب می‌خوریم. رستوران بسیار شلوغ است و خدمتکاران خوش‌اخلاق مدام در حال تمیز کردن محیط هستند. نمی‌دانم چرا حال و هوای این رستوران مرا به یاد کافه نادری می‌اندازد. خارج که می‌شویم، گربه‌ای بر سکویی نشسته است. پشت دستم را پیش می‌برم و گربه را لمس می‌کنم. واکنشی ناشی از ترس یا حمله احساس نمی‌کنم. شروع می‌کنم به نوازش گربه... یک دل سیر، قلبم لبریز از شوق شده است!

برای رفتن از اسکودار به خانه در بخش اروپایی باید از دریاچه بگذریم تا به ساحل امینونو برسیم و البته قدری در بازار بزرگ گشتی بزنیم. دوستانم برای ورود هرکس از استانبول کارت استفاده می‌کنند. من هم در صف ایستاده‌ام. مأمور کشتی دست مرا می‌گیرد، از صف جدا می‌کند و از راه آزاد عبور می‌دهد. منتظر می‌مانم تا یکی از همراهانم به سمت من بیاید. عرشه این کشتی مانند آلاچیق سقف دارد و دور و برش باز است. برای رسیدن به آن از چندین پله پایین و سپس بالا آمده‌ایم. صدای تلاطم دریا و پرندگان دریایی مرا به وجد آورده است. سرم را به عقب گذاشته‌ام روی لبه دیواره کشتی و زده‌ام زیر آواز. لایلا برایم توضیح می‌دهد که پرندگان دریایی به درون عرشه می‌آیند و از دست مردی نان می‌خورند. چقدر خوب است که لایلا این همه مرا بلد است! می‌داند که اگر در حال خواندن هم باشم، باز تشنه توصیف صحنه‌هایی هستم که برایم بازگو می‌کند.

زمانی دیگر هم وقتی با مترو روی پل حرکت می‌کنیم، از دریا و پرندگان و آفتاب و آسمان برایم می‌گوید، گربه‌ها را نشانم می‌دهد، از نوع پوشش آدم‌ها و اجناس مغازه‌ها و گاری‌ها برایم می‌گوید. از دختر جوانی می‌گوید که لباس فرم مشکی دارد، موهایش را روی شانه‌هایش

سوغاتی‌های لایلا را به او می‌دهم؛ گز اصفهان به همراه یک نقاشی کودکانه، گلدانی که فیروزه‌کاری شده است، یک کیف بنددار قلاب‌بافی، لواشک و زعفران و بادام‌زمینی. بعضی از این هدیه‌ها را دوستانش فرستاده‌اند که او هم در طول سفر هدایایی می‌گیرد تا من برایشان ببرم. برای من هم هدیه گرفته است؛ چند کرم دست و صورت، شکلات و از همه مهم‌تر یک دستگاه اسپیکر هوشمند گوگل نِست مینی. به امید روزی که بشود در ایران از آن استفاده کرد؛ بی‌هیچ محدودیتی!

لایلا و مجید قصد دارند تا جایی که ممکن است به تمام بازارهای محلی سری بزنند. من هم بیشتر وقت‌ها با آنها همراه می‌شوم. گاهی وقت‌ها زانوهایم به خاطر پیاده‌روی زیاد درد می‌گیرد. چه کنم؟! دل هوای دویدن دارد! به خانه که برمی‌گردیم، میترا، خواهر مهربان و کم‌نظیر لایلا، یک بطری یخ‌زده را می‌گذارد روی زانوهای ملتهب من تا دردش آرام بگیرد، اما فردا دوباره روز از نو، روزی از نو! به همراه لایلا و خانواده‌اش به یک دوویزی یا همان صرافی می‌رویم تا پولمان را به لیر تبدیل کنیم. لایلا و مجید به سمت یک باجه می‌روند. میترا هم مرا به سمت باجه‌ای دیگر راهنمایی می‌کند. صبر می‌کنم تا کار نفر قبلی انجام شود. از مرد صراف می‌پرسم: فارسی یا انگلیسی؟ می‌گوید: انگلیسی. یک صددلاری به او می‌دهم. حدوداً ۱۸۵۰ لیر به من برمی‌گرداند. پول‌ها را که در دست می‌گیرم، صبورانه تعداد و ارزش پول‌ها را برایم بازگو می‌کند. خوشبختانه اندازه اسکناس‌ها باهم فرق دارد و البته یکی از نرم‌افزارهای پول‌خوان را هم برای خواندن لیر ترکیه آماده کرده‌ام.

تصمیم می‌گیریم به بشیکتاش برویم. در آخرین ایستگاه اتوبوس در بشیکتاش پیاده می‌شویم. هوای ساحل بسیار سرد است. می‌دویم تا شاید کمی گرم شویم؛ غافل از آنکه در جهت خلاف باد می‌دویم و باد بر صورتمان می‌کوبد؛ تا اینکه نوار ساحلی را رد می‌کنیم و می‌رسیم به خیابانی کم‌عرض که مغازه‌ها و خانه‌های

دسترس‌پذیری در بازی‌های رایانه‌ای گردآوری و ترجمه: میثم امینی



اصطلاح دسترس‌پذیری به معنای «میزان قابل دسترس بودن یک چیز» است. برای افراد دارای معلولیت‌های مختلف دسترس‌پذیری فقط به این معنا نیست که تا چه حد چیزی برای آنها در دسترس است، بلکه اغلب سطح دسترس‌پذیری می‌تواند توانایی آنها در تعامل یا شرکت در فعالیت‌ها یا رویدادهای خاصی مانند سرگرمی‌های مختلف را تعریف کند.

حدود ۱۶ درصد از افراد در جهان از نوعی معلولیت رنج می‌برند که این امر دسترس‌پذیری در زمینه سرگرمی را برای گروه بزرگی از مردم به یک اولویت تبدیل می‌کند. افزایش آگاهی در مورد مشکلات دسترس‌پذیری در بازی‌های رایانه‌ای الهام‌بخش نوآوری‌هایی در طراحی بازی‌های رایانه‌ای و فناوری‌های کمکی شده است تا به افراد این اجازه داده شود تا تجربه خود را از بازی‌های رایانه‌ای طبق نیازهای خود سفارشی کنند.

بازی‌های رایانه‌ای در سال ۱۹۵۸ پدیدار شدند و تاکنون به‌طور قابل توجهی تکامل یافته‌اند. این تکامل باعث تغییر شیوه تعامل افراد با بازی‌های رایانه‌ای و

رها کرده و پشت فرمان مترو نشسته است. زمانی که در آخرین ایستگاه با عصا از واگن مترو خارج می‌شوم، خانم راننده را می‌بیند که مسئولانه به سمت من و اطراف من نگاه می‌کند. به او اطمینان می‌دهد که من تنها نیستم. مسیر کوهستانی و حالت تابش آفتاب در بازار فیندیک‌زاده، شاندیز را به یاد من می‌آورد؛ بازاری که به قیمت‌های ارزان و اجناس متنوعش معروف است.

شنبه روزی به بازار باکرکوی می‌رویم؛ بازاری که سطحش صاف است و فضاهای سرپوشیده و روباز در پی هم قرار دارند. از اواسط روز عطر غذاهای خیابانی توجه هر مسافری را به خود جلب می‌کند؛ نان‌های گرم که با سبزی‌های مختلف پر شده است. در اینجا شیر گرم همراه با ثعلب هم به فروش می‌رسد که در آن سرما عجیب می‌چسبد!

متوجه زنی می‌شوم که برای همراهانم صحبت می‌کند. گوش می‌کنم شاید چیزی بفهمم. لیلا می‌گوید او لباسی دارد که می‌خواهد آن را بفروشد. دستم را پیش می‌برم تا لباس را به من بدهد. یک سارافون بلند و زیباست. شانه‌های لباس را می‌گیرم جلوی شانه‌هایم. لیلا می‌گوید که رنگش سبز و بسیار زیبا بافته شده است. زن دست‌هایش را نشان می‌دهد. لیلا می‌گوید لباس را با دست بافته است، البته این را مادر لیلا هم تأیید می‌کند. لباسی به این بلندی را با قلاب یا همان تک‌میل بافته است. می‌خواهم کمی قیمت را پایین بیاورم. دست‌هایش را که در دست می‌گیرم، دیگر هیچ نمی‌گویم. دویست لیر را می‌پردازم. روبه‌رویم می‌ایستد، دعا می‌کند، بازویم را لمس می‌کند و می‌رود. هنوز هم گاهی به آن زن فکر می‌کنم. به دست‌هایش، به صدای پُرتینش، به این لباس که انگار فقط برای من بافته شده است.

همان شب در خانه سارا با لیلا خداحافظی می‌کنم و از او می‌خواهم فقط شاد زندگی کند.

ادامه دارد

سنین، کمک می‌کند تا با درس‌هایشان به شکلی ملموس ارتباط برقرار کنند. بازی‌های جعبه‌شنی یا بازی‌های رایانه‌ای با جهان باز مثل ماینکرفت^۲ هم بعد از اعمال تغییراتی به‌عنوان ابزارهای آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرند. چون این بازی‌ها انعطاف‌پذیر هستند، می‌توان آنها را برای دانش‌آموزان و دانشجویان با نیازها یا توانایی‌های متفاوت سفارشی کرد.

پرورش مهارت‌های اجتماعی مناسب بخش مهمی از پیشرفت شخصی و حرفه‌ای است. دکتر ویتلی می‌گوید: «فعالیت‌های اجتماعی و جامعه‌پسند بخشی ذاتی از تجربه بازی است و بازیکنان به‌سرعت مهارت‌های اجتماعی‌ای را یاد می‌گیرند که این مهارت‌ها می‌توانند به روابط اجتماعی در دنیای واقعی تعمیم یابند».

او به مطالعه‌ای از ایزابلا گرانیک^۳، دکترای دانشگاه رادبود شهر نی‌میخین^۴ هلند، اشاره می‌کند. تحقیقات گرانیک نشان داد که بیش از ۷۰ درصد از بازیکنان با دوستان خود بازی می‌کنند. گرانیک همچنین دریافت که انجام بازی‌های ساده مثل پرندگان خشمگین^۵ می‌تواند روحیه بازیکنان را بهبود دهد. بازی‌ها، به‌خصوص بازی‌های برخط و پخش زنده بازی‌ها می‌تواند به دادن حس در جمع بودن کمک کند، به افراد با نیازهای مختلف فرصت معاشرت اجتماعی بدهد و حتی برای بازیکنان درآمد اضافی ایجاد کند.

به دلیل اختلال‌های کلامی، پردازشی یا اجتماعی، معاشرت رو در رو می‌تواند برای برخی از افراد معلول دشوار یا دلهره‌آور باشد. اینجاست که بازی‌هایی با اتاق‌های گفتگو و برنامه‌های گفتگویی مثل دیسکورد^۶ که برای کار در محیط بازی‌ها طراحی شده‌اند می‌توانند برای افراد دارای معلولیت فرصت‌های معاشرت اجتماعی را ایجاد کنند. معاشرت از طریق بازی‌های برخط

بازی‌های رایانه‌ای با افراد شده است. امروزه افراد معلول منافع خودمراقبتی بازی‌های رایانه‌ای را که می‌توانند هم ذهنی و هم جسمی باشند درک کرده‌اند.

شما شاید نظرات متفاوتی را در مورد مزایا یا معایب ذهنی بازی‌های رایانه‌ای شنیده باشید. به گفته دکتر رومیو ویتلی در نشریه «روان‌شناسی امروز»، رسانه‌ها اغلب بازی‌های رایانه‌ای را چیزی منفی نشان می‌دهند، اما در سال‌های اخیر بازی‌های رایانه‌ای تغییر کرده‌اند و طبیعتی پیچیده‌تر، واقع‌گرایانه‌تر و اجتماعی‌تر پیدا کرده‌اند. دکتر ویتلی می‌گوید: محققان در حال دور شدن از روایتی هستند که معتقد است بازی‌های رایانه‌ای افراد را به خشونت یا رفتارهای مشکل‌ساز تشویق می‌کنند. آنها مطالعه‌ی مزایای شناختی واقعی و بلندمدت بازی‌های رایانه‌ای را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

محققان مرکز طراحی و تحقیق سرگرمی‌های الکترونیکی و دانشگاه کالیفرنیا سن دیگو^۱ خاطرنشان می‌کنند که بازی‌های رایانه‌ای همچنین چندین مزیت درمانی برای افراد با نیازهای مختلف و در شرایط مختلف دارند. بسیاری از این منافع شبیه منافع اند که از سرگرمی‌هایی مثل ورزش‌ها ناشی می‌شوند. بعضی افراد دارای معلولیت‌های مختلف ممکن است نتوانند در انواع ورزش‌ها مشارکت داشته باشند؛ بنابراین ورزش‌های الکترونیکی گزینه‌هایی‌اند که می‌توانند به این افراد در داشتن حس مشارکت و بهره‌گیری از منافع اجتماعی، ذهنی و جسمی بازی کردن کمک کنند.

همچنین با افزایش روند آموزش از راه دور و آموزش برخط، بازی‌های رایانه‌ای؛ نه فقط به‌عنوان ابزارهای درمانی، بلکه به‌عنوان ابزارهای آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به گفته ادسورس، بازی‌های رایانه‌ای در کلاس درس به دانش‌آموزان و دانشجویان، در همه

۱. Radboud Universiteit

۲. Angry birds

۳. Discord

۱. University of California, San Diego

۲. Minecraft

۳. Isabela Granic

حرکت استفاده می‌کنند، آزادی حرکت، بدون از دست دادن ارتباط صوتی با کنسولشان را بدهند یا برعکس، این پوشیدنی‌ها می‌توانند به پیچیدگی وسایل تطبیقی مثل جاوس پلاس باشند که یک مجموعه کنترل‌کننده است که کار با آن کاملاً با سر انجام می‌شود تا برای بازیکنانی که به دلیل معلولیت، حرکت بدن آنها محدود است یا نمی‌توانند هیچ حرکتی بکنند مناسب باشد.

همچنین توسعه‌دهندگان و استودیوهای تولید بازی‌های رایانه‌ای ممکن است دستورالعمل‌های دسترس‌پذیری را برای ارائه راهنمایی به افراد معلولی که به دنبال تطبیق سیستم یا بازی خود هستند فراهم کنند. این راهنمایی‌ها ممکن است شامل شیوه فعال کردن امکانات دسترس‌پذیری مثل امکان متن به گفتار یا شیوه گزارش مشکلات دسترس‌پذیری باشند. فناوری‌های تطبیقی نرم‌افزاری مختلفی هم وجود دارد که اغلب با هزینه کم یا بدون هزینه روی مجموعه‌ای از دستگاه‌ها و کنسول‌های بازی نصب شده یا قابل نصب هستند.

دسترس‌پذیری در حال تبدیل شدن به یک موضوع حائز اهمیت تر در صنعت بازی‌سازی است. برای مدتی طولانی، بازیکنان مجبور بودند تغییرات دسترس‌پذیری را خود در بازی‌ها انجام دهند، اما با به‌روزرسانی‌های قانون ارتباطات و دسترسی ویدئویی قرن بیست و یکم، چشم‌انداز پیروی از موارد دسترس‌پذیری در زمینه تولید بازی‌های رایانه‌ای رو به بهبود است. انجمن بین‌المللی توسعه‌دهندگان بازی روی قوانین ایالات متحده با مرکزیت دسترس‌پذیری متمرکز شده است. دسترس‌پذیری در بازی‌های رایانه‌ای در همه نرم‌افزارهای ارتباطی پیشرفته مثل کنسول‌های بازی، حتی در حال پیشی گرفتن از آنچه است که استودیوهای ساخت بازی ارائه می‌دهند.

همچنین گزینه‌ای در دسترس برای افرادی است که ممکن است به دلیل معلولیت زمان قابل‌توجهی را در بیمارستان یا استراحت در رختخواب بگذرانند. معاشرت برخط از این طریق می‌تواند احساس تنهایی را در این افراد کاهش دهد و روحیه آنها را بهبود بخشد که این موضوع می‌تواند حتی به بهبودی و درمان آنها کمک کند.

دسترس‌پذیری در بازی‌های رایانه‌ای فراتر از طراحی بازی است و به لوازم جانبی بازی هم می‌رسد. سخت‌افزار، نرم‌افزار و سایر فناوری‌های کمکی می‌توانند بازی‌های رایانه‌ای را برای معلولان دسترس‌پذیر کنند. فناوری‌های کمکی نه فقط تجربه بازی را دسترس‌پذیر می‌کنند، بلکه به افراد معلول این آزادی را می‌دهند تا تجربه بازی خود را بدون اینکه مجبور باشند منتظر توسعه‌دهندگان بمانند سفارشی کنند. این موضوع می‌تواند بازی‌های متنوع‌تری را در دسترس معلولان قرار دهد.

کنترل‌کننده‌ها و پوشیدنی‌های تطبیقی مثل هدست‌ها، می‌توانند به بازیکنان دارای معلولیت در کنترل و ارتباط بهتر در هنگام بازی کمک کنند. افراد معلول می‌توانند کنترل‌کننده‌های مختلفی را که مناسب نیاز خاصشان است تهیه کنند؛ برای مثال شرکت لاجیتک کیت^۱ بازی تطبیقی لاجیتک جی را ارائه کرده که شامل دکمه‌های کنترل که بلافاصله پس از اتصال قابل استفاده هستند و تخته‌های بازی در اندازه‌های مختلف است که می‌توانند برای نیازهای متفاوت مناسب باشند.

پوشیدنی‌های مخصوص بازی مثل هدست‌ها و دستگاه‌های واقعیت مجازی، بخشی در حال تکامل و هیجان‌انگیز از بازی‌های رایانه‌ای مدرن هستند. دسترس‌پذیری در پوشیدنی‌های مخصوص بازی می‌تواند به‌سادگی هدست‌های بی‌سیم باشند که به افرادی که از ویلچر یا سایر وسایل کمکی مربوط به

بریل‌های ناگزیر

محمد نوری: نویسنده و پژوهشگر حوزه معلولیت



نوشتن نابینا گریزناپذیر و امری ناگزیر است، اما شاعر برای اینکه این مفهوم را به نابینایان تفهیم کند، ریل قطار و ناگزیری قطار در قرار گرفتن روی خط ریل را به‌عنوان شاهد و مثال آورده است. به‌ریل یا بر ریل بودن قطار گویای این است که فقط این مسیر و این راه می‌تواند قطار را به مقصد برساند، ولی اگر از ریل خارج شود، سرنگون می‌شود، آسیب می‌بیند و به مقصد نخواهد رسید. نابینا هم باید روی خط بریل حرکت کند، خط برجسته بریل را فراگیرد و خواندن و نوشتن را یاد بگیرد تا بتواند به مقصد برسد.

نگاهی به برخی اشعار

چند غزل از این مجموعه را به‌اختصار بررسی می‌کنم. اولین غزل با اسم «لویی بریل» است. چند بیت آن را گزینش کردم:

لویی ستاره بود، سراپا بریل شد
برجسته شد به خاطر ماها بریل شد
انگشت‌های خسته ما را قطار کرد
وقتی که ریل روی مقوا بریل شد
با ما هلن کلمر به تماشا رسیده بود
در واگنی که فلسفه ما بریل شد
در ایستگاه مصر پر از رودکی شدیم
آن روزها که دفتر طاها بریل شد

لویی بریل بنیان‌گذار خط بریل که موجب تحول در آموزش و پرورش نابینایان شد، می‌گوید ستاره‌ای است که برای نجات و پیشرفت نابینایان راهی (ریلی) را ابداع کرده و خودش روی این ریل حرکت کرده و دیگران را هم به حرکت واداشته است.

لویی بریل حس لامسه را به‌جای حس بینایی نشانده و از حس لامسه برای خواندن و نوشتن بهره گرفت. شاعر در این بیت به این نکته اشاره می‌کند:

انگشت‌های خسته ما را قطار کرد
وقتی که ریل روی مقوا بریل شد.

موسی عصمتی، متولد ۱۳۵۳، شاعر بنام نابینایی است که تاکنون چند مجموعه شعر منتشر کرده است. «بریل‌های ناگزیر» نام آخرین مجموعه شعر اوست که انتشارات ترنجستان، در تهران، در سال ۱۴۰۱ش، آن را در ۷۸ صفحه منتشر کرده است. طرح جلد این اثر یک خط ریل راه‌آهن است که تا دوردست امتداد دارد و نقطه‌های بریل در دو سطر ترسیم شده است.

در این مجموعه شعر سی و یک غزل و چهارده رباعی آمده است. از شعرهای این مجموعه می‌توان فهمید که عصمتی درصدد القای این پیام است که انسان باید به‌روز و مجهز و توانمند باشد تا به موفقیت برسد؛ همان‌گونه که قطار باید روی ریل قرار گیرد تا بتواند حرکت کند و به‌سوی هدفش پیش برود. شاعر واژه بریل را در دو «معنای حقیقی» یعنی خط برجسته بریل و «معنای استعاری» یعنی به‌ریل و روی خط ریل بودن یا آمادگی داشتن برای حرکت در مسیر درست به کار برده است. بریل مثل به‌خط و برخط، یعنی قرارگرفتن روی ریل برای حرکت به‌سوی هدف است؛ این کاربرد ابتکاری موسی عصمتی نشانگر ذهن خلاق و توانایی ادبی اوست.

عصمتی با استفاده از ترکیب «بریل‌های ناگزیر» درصدد است که به نابینایان بگوید با فراگیری خط بریل در خواندن و نوشتن توانا می‌شوید و درهای پیشرفت و موفقیت برای شما باز می‌شود. سواد داشتن و خواندن و

نسل‌مانا

یافت؛ گو اینکه به‌رغم نابینایی جهان را تماشا می‌کند. کلر و ما، نابینایان، در یک مجموعه هم‌سرنوشت، خواسته‌ها و اندیشه‌های خود را با خط بریل بیان می‌کنیم.

«در ایستگاه مصر پر از رودکی شدید/ آن روزها که دفتر طاها بریل شد»، آوردن مصر کنار رودکی، استفاده از ایهام متضاد است. مصر کشوری عربی و رودکی اهل ایران و بخارا و احیاگر زبان فارسی است، اما نابینایان در این تضاد، در استفاده از خط بریل مشترک و همکار و هم‌سرنوشت می‌شوند؛ چراکه خط بریل توانایی دارد که رودکی‌ها پرورش دهد. می‌دانیم که طهاحسین از نابینایانی است که در سوربن فرانسه تحصیل کرد و دکترا گرفت. او کارنامه‌ی پربراری دارد و به مدارج عالی استاد دانشگاه، وزیر علوم و... رسید. عصمتی از تعبیر «دفتر طاها بریل شد» استفاده کرده است، یعنی کارنامه و شهرت طهاحسین به‌خاطر خط بریل است.

از این غزل فقط چهار بیت را توضیح دادم تا نشان دهم این اشعار چقدر عمیق و پر است از آرایه‌های لفظی و معنوی و ترکیب‌های پیچیده و خلاقانه.

«شعر تازه» عنوان شعر دیگری در این مجموعه است که روی بریل بسیار تکیه کرده است. دو بیت از این شعر است:

شعر، این همیشه قند پارسی

در کنار استکان بریل شد

روزگار شعر تازه‌ای سرود

بوی جوی مولیان بریل شد

نابینایان می‌توانند شعر فارسی را که به دلیل لطافت به قند توصیف شده است، توسط خط بریل بیاموزند. فراگیری شعر فارسی توسط نابینایان با تعبیر «در کنار استکان بریل شدن» بیان شده است.

عصمتی در بیت «روزگار شعر تازه‌ای سرود/ بوی جوی مولیان بریل شد» این مفهوم را ترسیم می‌کند که شرایط جدید جهانی نابینایان را وادار کرده است شعر کهن فارسی را با فناوری مدرن و خط بریل بسرایند، بخوانند و بنویسند.

اینکه انگشت و لامسه قطار و ریل، خط بریل بشود، بیانگر تسلط شاعر بر آرایه‌های لفظی و معنوی و استفاده هوشمندانه از کلمات و آرایه‌ها است.

اکنون به چند نکته در این تعبیر می‌پردازیم.

۱. انگشت خسته حاکی از دشوار بودن خط بریل و سختی فراگیری آن است، ولی نابینایان این عملیات دشوار را با پشتکار و ممارست یاد گرفته‌اند.

۲. قطار شدن انگشت گویای این است که به کار بردن لامسه و خواندن و نوشتن با لامسه به حرکت و پویایی و پیشرفت می‌انجامد، مانند قطار که وسیله‌ای برای حرکت است. همچنین قطار وسیله مدرن و خط بریل برخوردار از فناوری مدرن است، پس لامسه و خط بریل همچون قطاری است که نابینا بر آن سوار می‌شود و به مقصد دلخواهش سفر می‌کند.

۳. در اینجا ریل که سازه‌ای از فلز و چوب و جاده‌ای است و قطار از روی آن حرکت می‌کند، گویای واقعیت‌های خارجی مثل میز، صندلی، لباس، میوه و... است که روی مقوا (کاغذ خط بریل) ترسیم یا با نقطه‌های برجسته نوشته می‌شود و این واقعیت‌ها و حقایق به بریل، یعنی به واژه‌های بریل تبدیل می‌شود. میز موجود در اتاق وقتی روی کاغذ نوشته می‌شود، رنگ‌های ترسیم‌شده روی کاغذ است، نقطه‌های بریل هم برگردان حقایق موجود در جهان است که روی مقوا ترسیم شده است.

۴. ریل راه‌آهن نسبت به سطح زمین برجسته‌تر است و برآمدگی دارد؛ همین‌طور نقطه‌های بریل و خط بریل برجسته است؛ از این‌رو تشبیه این دو به یکدیگر گویای خلاقیت شاعر است.

۵. هلن کلر ناشنوانابینای مشهوری است که با فراگیری خواندن و نوشتن از طریق خط بریل، در جهان مشهور شد. عصمتی در مصرعی می‌گوید: «با ما هلن کلر به تماشا رسیده بود» و در مصرع بعد می‌گوید: «در واگنی که فلسفه ما بریل شد».

هلن کلر با اینکه دومعلولیتی بود، ولی مثل نابینایان از طریق خط بریل مفاهیم را یاد گرفت، آگاه شد و بصیرت

مدارس تلفیقی، تلفیق بی‌مهری با دانش‌آموزان نابینا: معلم رابط، مفهومی رنگ‌باخته برای سیستم آموزشی رؤیا بابایی: خبرنگار حوزه معلولان

برعکس تصور عمومی، همه نابینایان در مدارس استثنایی درس نمی‌خوانند، بلکه بسیاری از آنها در مدارس عادی و در کنار سایر دانش‌آموزان تحصیل می‌کنند و از نظر توانمندی فکری و بهره‌هوشی تفاوتی با هم‌کلاسی‌های خود ندارند؛ بنابراین به مدرسی که دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا را در خود می‌پذیرند «مدارس پذیرا» یا «مدارس تلفیقی» می‌گویند.

ایران حدود هفت‌هزار و دویست دانش‌آموز نابینا و کم‌بینا دارد که دوهزار و پانصد نفر از آنان نابینای مطلق هستند و برای تحصیل از کتاب‌های بریل یا فایل‌های صوتی و حدود پنج‌هزار کم‌بینا و نیمه‌بینا از ابزارهای درشت‌نما استفاده می‌کنند. بد نیست بدانیم از این تعداد بیش از دو هزار نفر در مدارس استثنایی که تعداد آن در سطح کشور بیست و سه مدرسه است و پنج هزار نفر باقیمانده در مدارس تلفیقی درس می‌خوانند.

دبیران تلفیقی

دبیران تلفیقی موظف‌اند در هفته دو بار به دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینایی که در مدارس عادی درس می‌خوانند سر بزنند، تکالیف آنها را کنترل کنند و چنانچه دانش‌آموز برای تبدیل کردن جزوه‌ها به صوت یا بریل به کمک نیاز داشت، کمکشان کنند و با تبدیل تکالیف دانش‌آموزان، آن را به رؤیت معلم برسانند.

شوک آموزشی

پیش از این هر شش مدرسه را به یک دبیر تلفیقی می‌دادند تا هفته‌ای دو بار و هر بار دو ساعت به دانش‌آموزان نابینا سر بزنند و با توجه به اینکه یک دبیر در طول هفته بیست و چهار ساعت کار موظف

اشعار این مجموعه مثل دیگر غزل‌ها و رباعی‌های عصمتی زیبا و آموزنده است. سزاوار و شایسته است در مراکز نابینایی این اشعار آموزش داده و به بحث گذاشته شود. همچنین در شبکه‌های اجتماعی توسط کارشناسان بررسی شود؛ چراکه به آموزش و فهم ابعاد ادبی، زیبایی‌شناختی، درون‌مایه‌های اجتماعی و فنی اشعار شاعران نابینا کمتر توجه شده است.

باینکه زمان زیادی از نشر این کتاب نگذشته است، ولی در وبگاه‌ها و شبکه‌های مجازی، ده‌ها خبر و گزارش درباره این کتاب منتشر شده که گویای نفوذ و جذابیت آن میان اقشار مختلف جامعه است.



اولیا جای معلم رابط

کشاورز می‌افزاید: در برخی مدارس از مادرها خواسته‌اند خودشان به جای معلم رابط در دفتر مدارس و در ازدحام و شلوغی آن مکان، از فرزندانشان امتحان بگیرند، اما در مدرسه پسر من معاون یا مدیر مدرسه در ساعت‌هایی که سرشان خلوت است، از او امتحان می‌گیرند و این واقعاً لطف محسوب می‌شود!

او ادامه می‌دهد: پسر من کلاس نهم و نابینای مطلق است و در درس ریاضی نمی‌توانست با هم‌کلاسی‌های خود و معلمی که درس را برای سی دانش‌آموز توضیح می‌داد پیش برود. وقتی به دنبال راه‌حلی برای این مسئله بودم، به من گفتند اولیا خودشان باید برای آموزش فرزندان نابینای خود وقت بگذارند، این در حالی است که برخی والدین سواد زیادی ندارند و گذشته از آن محتوای کتاب‌ها نسبت به زمان تحصیل والدین تغییر بسیاری کرده است و تدریس آن برایشان آسان نیست.

کشاورز می‌گوید: یکی از مادرها سن بالایی دارد و چهارمین فرزندش نابینا و هم‌کلاسی پسر من است. او سواد چندانی ندارد و حتی مواقعی که پسرش در کلاس‌های برخط حاضر نمی‌شود، متوجه شیطنت او نیست و من و سایر مادران این موضوع را به او اطلاع می‌دهیم. گذشته از این وظایف مادرانگی برای چهار فرزند که همگی در سن مدرسه و دبیرستان هستند، فرصتی برای رسیدگی به این امور برای او باقی نمی‌گذارد؛ بنابراین مدارس نباید توقع داشته باشند که نبود معلم رابط توسط اولیا پر شود.

سکوت مادران

ناهید محمدی که پسرش سال آخر دبیرستان را می‌گذراند، می‌گوید: من همه مشکلات آموزشی پسر را به مدرسه انتقال می‌دهم، اما سایر مادران این کار را نمی‌کنند. من معتقدم شاید مدیران مدارس، خودشان از برخی مشکلات مطلع نباشند و ما باید آنها را آگاه

دارد؛ بنابراین دبیران تلفیقی با دو بار مراجعه هفتگی به شش مدرسه که هر کدام یک دانش‌آموز نابینا داشت، ساعت موظف خود را پر می‌کردند.



این روال اخیراً به دلایلی که شاید کمبود نیرو یکی از آنها باشد تغییر کرده است. در حال حاضر دوازده دانش‌آموز را در دوازده مدرسه به دبیر تلفیقی می‌دهند و او در هفته فقط یک‌بار می‌تواند به دانش‌آموزان سر بزند. در این رویه ساعت موظفی دبیر تکمیل می‌شود، اما نیاز آموزشی دانش‌آموز برطرف نمی‌شود.

سرگردانی در مدارس

برخی خانواده‌هایی که فرزند نابینا دارند می‌گویند: در این سیستم دبیر یا معلم رابط همان هفته‌ای یک‌بار را هم به مدرسه‌ها نمی‌روند و مراجعه آنها به دانش‌آموزان نابینا به ماهی یک‌بار و کنترل کردن تکالیف چند هفته در یک جلسه کاهش یافته است که این موضوع دانش‌آموزان را در فراگیری دروس گذشته و ارتباط با سرفصل‌های جدید درسی سرگردان می‌کند.

مریم کشاورز، مادر یک دانش‌آموز نابینا، از شیراز می‌گوید: وقتی پسر من در کلاس هفتم وارد مدرسه عادی شد، تازه متوجه مشکلات آموزشی او در این مدارس شدم. دیدم معلم رابط هفته‌ای یک‌بار هم به مدرسه نمی‌آید و از اولیا می‌خواهند تا خودشان به پرسش‌ها فرزندشان جواب بدهند.

در دسرهای معلم خصوصی

آقا و خانم خان محمدی می‌گویند: یکی از مشکلاتی که با عدم مراجعهٔ دبیران رابط به مدارس رخ داده این است که بچه‌های نابینا از مطالب کلاس جا می‌مانند و با مراجعهٔ دیربهدیر دبیران رابط مطالب به موقع یادآوری نمی‌شود و فراموش می‌شود.

آنها می‌گویند: سال گذشته وقتی گلایه‌هایمان به مدرسه نتیجه نداد، برای درس ریاضی دخترمان معلم خصوصی گرفتیم، اما مشکل اینجا بود که آن معلم بریل نمی‌دانست و این‌گونه شد که او ابتدا به من یا همسرم درس می‌داد، ما درس را به بریل تبدیل می‌کردیم و به آیلاز توضیح می‌دادیم.

خانم محمدی می‌گوید: معلم خصوصی مسلط به بریل بسیار کم است. سال گذشته از آموزش و پرورش خواستیم تا معلمی را با این ویژگی برای آموزش خصوصی به ما معرفی کنند، اما آنها هم کسی را نمی‌شناختند.

فاجعهٔ آموزشی

کمبود معلم‌های تلفیقی و پر کردن جای این نیاز با افراد غیرمتخصص و بدون دانش کافی، یکی از فجایعی است که با آن روبه‌رو شده‌ایم. برخی از خانواده‌ها از سواد پایین معلم‌های تلفیقی که اخیراً به مدارس فرزندانشان مراجعه می‌کنند، بسیار گله‌مندند.

یکی از مادرها که پسر نابینای کلاس دهمی دارد می‌گوید: معلم پسرم حتی نمی‌توانست انگلیسی را درست بخواند. پسرم مدام از او ایراد می‌گرفت و به دلیل تلفظ غلط متوجه منظورش نمی‌شد و در نهایت از او خواست حروف را هجی کند تا او متوجه منظورش شود!

آنها می‌گویند در سال‌های قبل این مشکل وجود نداشت. همهٔ دبیران رابط باسواد و پیگیر بودند، وقت زیادی می‌گذاشتند و حتی در ایام امتحان‌ها اگر نیاز

کنیم، اما سایر مادران از ترس اینکه مبادا با گلایهٔ آنها عذر فرزندشان از ادامهٔ تحصیل در مدارس عادی خواسته شود، سکوت و فقط در بین مادران گلایه‌های خود را مطرح می‌کنند که این کار فایده‌ای ندارد.

کلاس‌های پشتیبان

رضایی، یکی دیگر از مادران، با ابراز ناراحتی از کلاس‌های برخط و پشتیبانی که برای این گروه از دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود، می‌گوید: در خلال کلاس برخط ریاضی که در مجموع چهار دانش‌آموز نابینا دارد، گاهی آن قدر صدای گریهٔ بچهٔ کوچک معلم می‌آید که او مجبور می‌شود بارها کلاس را ترک کند و دوباره برگردد و در نتیجه دانش‌آموزان از درس چیزی دستگیرشان نمی‌شود.

احسان‌نژاد، مادر یک دختر کم‌بینا، نیز چنین می‌گوید: معلم عربی دخترم سر کلاس برخط معمولاً در آشپزخانه، در حال آشپزی یا در حال ظرف شستن است و صدای تمام فعالیت‌های او در کلاس درس پخش می‌شود.

او ادامه می‌دهد: حتی گاهی برخی از معلم‌ها کلاس برخط را تعطیل می‌کردند و با بیان اینکه بعداً کلاس جبرانی می‌گذاریم، از بچه‌ها می‌خواستند در صورت پیگیری مدرسه بگویند کلاس برگزار شده است، درحالی‌که این رفتار تضییع حق این بچه‌هاست.

شهریهٔ مدارس

حسین احمدیان، پدر سه دختر، که یکی از آنها نابینای مطلق است نیز توضیح می‌دهد: وقتی تصمیم گرفتیم محدثه را در مدرسهٔ عادی ثبت‌نام کنیم، آموزش و پرورش استثنایی نامه‌ای داد و گفت طبق این نامه نباید از شما شهریه دریافت کنند، اما باینکه دخترم را به مدرسهٔ دولتی آورده‌ام، پارسال چهارمیلیون و سال قبلش حدود سه میلیون و نیم از من شهریه گرفتند و به نامه هم اهمیتی ندادند.

مدیریت هیجان؛ یک مهارت کلیدی امین عرب: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی فارس

مدیریت هیجان مجموعه‌ای از مهارت‌ها است که می‌تواند به شما کمک کند نسبت به افراد یا رویدادها واکنش سازنده نشان دهید. یادگیری چگونگی مدیریت احساسات می‌تواند با کمک به انتخاب‌های منطقی و توسعه روابط با دیگران به تعامل اجتماعی شما کمک کند. بهبود مهارت‌های مدیریت هیجانی شما ممکن است به زمان و تلاش نیاز داشته باشد، اما می‌تواند نتایج مثبتی در زندگی‌تان به وجود آورد. این مهارت‌ها برای هر کس مؤثر و کارآمد است، اما به دلیل چالش‌هایی که افراد با آسیب بینایی در زندگی تجربه می‌کنند، این مهارت می‌تواند به‌طور خاص اثربخش باشد. در این مقاله، مهارت‌های مدیریت هیجانی را تعریف می‌کنیم؛ توضیح می‌دهیم که چرا برای افراد با آسیب بینایی مهم هستند؛ پنج مهارت کلیدی مدیریت هیجانی را فهرست می‌کنیم و نکاتی را برای توسعه مهارت‌های خود به شما ارائه خواهیم کرد.

مهارت‌های مدیریت هیجان چه هستند؟

مهارت‌های مدیریت هیجان توانایی‌هایی هستند که به شما کمک می‌کنند واکنش‌های عاطفی خود را در موقعیت‌های مختلف تنظیم کنید. آنها بخش مهمی از «هوش» هیجانی هستند که اصطلاحی است که به توانایی فرد در شناسایی و درک احساسات خود و دیگران اشاره دارد. مهارت‌های مدیریت هیجانی ممکن است به زمان و تلاش نیاز داشته باشد، اما می‌توانند به شما کمک کنند تا روابط مؤثرتری برقرار کنید.

چرا داشتن مهارت‌های مدیریت هیجان مهم است؟

افرادی که احساسات خود را تنظیم می‌کنند، در موقعیت‌های پر استرس رفتار منطقی‌تری دارند و

بود به منزل دانش‌آموزان می‌آمدند، اما حالا سه سال است بی‌سوادی برخی از معلمان برایمان عادی شده است.

چند بار به آموزش و پرورش مراجعه کرده و مشکل را منتقل کرده‌ام، اما اهمیتی نداده‌اند. آنها می‌گویند: الان همه بی‌سوادند، شما دنبال چه چیزی هستید؟!

دانش‌آموزان نابینا، قربانیان اصلی

نقش معلمان رابط در پیشرفت آموزشی دانش‌آموزان کم‌بینا و نابینا بسیار اثرگذار است، اما این‌گونه که پیداست اهمیت آنها برای نظام آموزشی رنگ‌باخته است.

اگر نگوئیم بحث معلمان رابط به حال خود رها شده است، دست‌کم می‌توان گفت نگاه آموزش و پرورش به این موضوع مهم دیگر مانند گذشته نیست. معلم‌های رابط در اثر تحمیل کار زیاد به انجام صحیح وظایف خود نمی‌رسند، بخش مهمی از وظایف این دبیران و معلم‌ها بر دوش خانواده‌ها افتاده است و بسیاری از آنها قادر به تحمل سنگینی آن نیستند و در این میان دانش‌آموزان نیازمند به حضور این معلم‌ها بیشترین آسیب را از این فقدان می‌بینند.

این مسئله در سرنوشت تحصیلی کودکان نابینا نقش عمیقی دارد و درحالی‌که با بررسی و مدیریت اساسی می‌توان آن را حل کرد، کسی به پیگیری و رفع این آسیب توجهی ندارد.

باید دید سازمان آموزش و پرورش در قبال مشکلات این قشر و گلایه‌های خانواده‌های این دانش‌آموزان چه پاسخی دارد.



۳. پذیرش: یکی از مهارت‌های کلیدی مدیریت هیجان، توانایی پذیرش احساسات خود بدون قائل شدن معنای خاص برای آنها است که می‌تواند به شما در واکنش منطقی به موقعیتی که باعث ایجاد آن احساس در شما شده است، کمک کند. با پذیرش احساسات خود، اغلب می‌توانید راحت‌تر از یک واکنش هیجانی خلاص شوید و به شما کمک می‌کند که روی قدم بعدی تمرکز کنید. یادگیری پذیرش هیجانات خود نیز می‌تواند به شما کمک کند تا با ارتباط دادن احساسات خود با دیگران، همدلی‌تان را با دیگران تقویت کنید.

۴. چشم‌انداز: ایجاد چشم‌انداز از موقعیت چالشی پیش رو می‌تواند به شما در مدیریت احساسات کمک کند؛ به‌عنوان مثال اگر قبل از ارائه یک سخنرانی به مخاطبان احساس اضطراب می‌کنید، می‌توانید با تفکر در این مورد که احساس نگرانی در زمان سخنرانی در جمع طبیعی است و بسیاری از متخصصان موفق این احساس را دارند، این احساس را در چشم‌انداز خود قرار دهید. داشتن چشم‌انداز می‌تواند به شما یادآوری کند که احساسات پاسخی درست به موقعیت‌ها هستند که شما می‌توانید بر آنها غلبه کنید.

۵. همدلی: همدلی توانایی ارتباط با احساسات دیگران در یک موقعیت با استفاده از تجربه خودتان است. داشتن همدلی در روابط دوستانه می‌تواند به شما در ایجاد تعامل مفید و جلوگیری از درگیری کمک کند. می‌توانید از همدلی برای تشخیص اینکه چه زمانی یک دوست برای مدیریت مشکلات خود به کمک نیاز دارد، استفاده کنید. درک احساسات افراد به شما کمک می‌کند با آنها در خصوص ایجاد راه‌حلی برای هر مشکل کار کنید.

چگونه مهارت‌های مدیریت هیجان را بهبود

دهیم؟

در اینجا به چند شیوه اشاره شده است که می‌توانید از آنها برای توسعه مهارت‌های مدیریت هیجان خود استفاده کنید. برخی از این تکنیک‌ها، مانند تمرین‌های

انتخاب‌های حرفه‌ای مؤثری انجام می‌دهند. پژوهش‌ها

نشان می‌دهند که با توجه به محدودیت‌هایی که در زندگی افراد با آسیب بینایی وجود



دارد، این قشر بیش از اکثریت جامعه درگیر فشار روانی می‌شوند. این موضوع بر مدیریت هیجان و در نتیجه تعامل بین فردی این گروه تأثیر منفی می‌گذارد؛ بنابراین مهارت مدیریت هیجان که به‌عنوان یک مهارت پایه برای عموم مردم لازم است، می‌تواند نقش بسزایی در زندگی افراد با آسیب بینایی ایفا کند.

پنج مهارت کلیدی مدیریت هیجان

در اینجا چند مهارت مدیریت هیجان وجود دارند که می‌توانند به شما در بهبود تعاملات کمک کنند:

۱. خودآگاهی: خودآگاهی مهارتی است که به شما امکان می‌دهد با درک وضعیت هیجانی خود، پیش‌بینی کنید که یک موقعیت یا شخص چگونه ممکن است بر شما تأثیر بگذارد. این مهارت به شما کمک می‌کند تا واکنش‌های هیجانی خود را در موقعیت‌های مختلف مشاهده کنید و یاد بگیرید که چگونه پاسخ‌هایتان را بهبود بخشید. پیش از این، مطلبی را به مهارت خودآگاهی اختصاص داده‌ایم که می‌توانید به آن مراجعه کنید.

۲. انعکاس: انعکاس به شما امکان می‌دهد تا دریابید که چرا واکنش هیجانی خاصی به یک موقعیت یا شخص داشتید و می‌تواند به شما در حل تعارض‌ها و جداسازی احساسات از موقعیت کمک کند؛ برای مثال اگر با یکی از دوستانتان در خصوص برخورد نامناسب او در یک موقعیت خاص به چالش خورده‌اید، می‌توانید احساس خود را به او منعکس کنید و در فضای گفتگو، به حل تعارض پیش‌آمده بپردازید.

به نگرانی‌های آینده یا گذشته خودداری کنید. تمرکز حواس می‌تواند آرامتان کند و به شما کمک دهد تا در مورد احساسات و وظایف روزانه خود یک دیدگاه ایجاد کنید. می‌توانید تمرین‌های مدیتیشن خود را با اختصاص دادن چند دقیقه در ابتدای هر روز برای تمرکز بر تنفس و احساساتی که در صندلی میز یا ماشین خود احساس می‌کنید شروع کنید.

۵. تکنیک‌های تنفس را یاد بگیرید: چندین تکنیک تنفس می‌تواند به شما کمک کند تا زمانی که در یک موقعیت هیجانی هستید، احساسات خود را کنترل و تنظیم کنید. با تمرکز بر نفس خود، می‌توانید تأثیر احساسات را بر بدن و ذهن خود کاهش دهید که ممکن است به شما اجازه دهد کارتان را بهتر انجام دهید یا مشکل را حل کنید. هنگامی که در حال انجام یک تمرین تنفسی هستید، دم و بازدم را عمیق انجام دهید و سرعت خود را کم کنید. یکی از تمرین‌های تنفسی رایج، دم در چهار شماره، حبس نفس برای دو شماره و سپس بازدم برای چهار شماره است.

۶. صحبت با یک متخصص را مدنظر داشته باشید: یک درمانگر دارای مجوز می‌تواند به شما کمک کند تا مهارت‌های مدیریت هیجانی مؤثر را برای به حداکثر رساندن کیفیت ارتباطات خود و ایجاد یک زندگی سالم در خود رشد دهید. آنان ممکن است درمان فردی انجام دهند یا گروه‌های حمایتی را برای طیف وسیعی از موقعیت‌ها رهبری کنند. ملاقات با یک درمانگر به شما این امکان را می‌دهد که احساسات خود را آزادانه بیان کنید، انگیزه‌های پشت پاسخ‌های عاطفی خود را کشف کنید و شیوه‌های مقابله‌ای را در فضایی امن تمرین کنید. آنها همچنین می‌توانند منابع و فعالیت‌هایی را برای کمک بیشتر به شما توصیه کنند.

منبع: [ویگاه indeed](#)

تنفسی، می‌توانند به شما در تنظیم احساسات خود در لحظات استرس یا هیجان کمک کنند. برخی دیگر مانند خاطره‌نویسی، شیوه‌های منظمی هستند که می‌توانند به شما در بهبود واکنش خود به موقعیت‌ها یا افراد کمک کنند.

۱. راه‌هایی برای ابراز احساسات خود بیابید: ابراز آزادانه احساسات در ارتباط بین‌فردی می‌تواند به شما در مدیریت احساسات کمک کند. ممکن است با دوستان یا اعضای خانواده در مورد احساس خود صحبت کنید. این شیوه می‌تواند به شما کمک کند بازخورد یا دیدگاهی در مورد تجربیاتتان دریافت کنید. اگر فردی هنری هستید، ممکن است برای بیان احساسات خود نقاشی، طراحی یا نوشتن را برگزینید.

۲. تشخیص دهید که چه چیزی به شما احساس خوبی می‌دهد: بخشی از خودآگاهی شامل شناسایی احساسات مثبت و علل آنهاست. با شناخت بخش‌هایی از فعالیت‌های روزمره که احساسات مثبت را ایجاد می‌کنند، می‌توانید حس خوشایندی در زندگی خود ایجاد کنید. در نظر داشته باشید که فهرستی از بخش‌هایی از فعالیت‌هایتان که رضایت شما را به همراه دارد تهیه کنید و آن را در دفتر یا اتاق خود آویزان کنید.

۳. به خود فضای تنفس بدهید: وقتی در موقعیتی قرار می‌گیرید که باعث ایجاد واکنش هیجانی می‌شود، قرار دادن فضای فیزیکی بین خودتان و موقعیت می‌تواند به شما کمک کند تا آرامش خود را بازیابید و مهارت‌های بازتاب احساسات را تمرین کنید. می‌توانید در فضای باز پیاده‌روی کنید. هنگامی که دیدگاهی در مورد احساسات خود به دست آوردید، اغلب می‌توانید با آرامش به موقعیت اضطراب‌آور برگردید و راه‌حلی بیابید.

۴. ذهن‌آگاهی را تمرین کنید: ذهن‌آگاهی یک شیوه مدیتیشن است که بر آنچه در لحظه احساس می‌کنید تمرکز دارد. هدف تمرین‌های تمرکز حواس این است که به طور کامل در لحظه حاضر بمانید و از فکر کردن

استثنایی را پوشش می‌داد. همچنین با توسعه فضای مجازی تلاش می‌کرد با تهیه گزارش‌ها و انتشار یادداشت‌های مختلف از طریق وبگاه خود موضوع‌های دنیای افراد معلول را در اختیار مخاطبان قرار دهد. فعلاً فعالیت این روزنامه فقط به پادکستی خلاصه شده که به صورت روزانه بر روی کانال تلگرامی مجموعه منتشر می‌شود.



نسل مانا ماهنامه تخصصی افراد نابینا

نسل مانا ماهنامه‌ای است که به‌طور تخصصی برای افراد با آسیب بینایی زیر نظر انجمن نابینایان ایران منتشر می‌شود و به بیان نیازها، توانایی‌ها و دغدغه‌ها و مشکلات افراد نابینا و کم‌بینا می‌پردازد. این مجله در سال اول تنها به‌صورت صوتی و الکترونیک منتشر می‌شد، اما در سال دوم، بعد از اخذ مجوز و پیدا شدن راه‌حلی برای چاپ و تأمین کاغذ، مطالب برای مخاطبان به خط بریل هم چاپ شد؛ در نتیجه اکنون این مجله به سه شکل الکترونیکی، صوتی و بریل منتشر می‌شود. ثمره انتشار این ماهنامه، افزایش آگاهی اعضای جامعه

استقامت قاصدک‌ها در غوغای توفان (آشنایی با نشریه‌های اختصاصی افراد نابینا و کم‌بینا)

مسعود طاهریان: مددکار مؤسسه حمایت از
بیماران چشمی آرپی

مقدمه

برخی از نشریات به‌صورت اختصاصی برای مخاطبان نابینا و کم‌بینا در چهار قالب بریل، درشت‌خط، صوتی و الکترونیکی منتشر می‌شوند و به دنبال تدارک مجموعه‌ای از خواندنی‌های جذاب برای ارتقای دانش، مهارت‌های زندگی و نشاط این افراد با هر سلیقه و سنی هستند. این نشریه‌ها با ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد فرهنگی، اجتماعی و علمی، در راستای عدالت آموزشی گام برمی‌دارند و تلاش می‌کنند تا خوداتکایی، اعتمادبه‌نفس و خودباوری خوانندگان و شنوندگان خود را ارتقا ببخشند. همچنین زمینه تعامل هرچه‌بیشتر این افراد را با سایر اعضای جامعه فراهم می‌کنند و در آماده شدن اشخاصی که محدودیت‌های بینایی دارند، برای پذیرش نقش‌های اجتماعی مؤثر هستند. همچنین اخبار و موضوع‌های ویژه جامعه افراد نابینا و کم‌بینا را پوشش می‌دهند و انواع خدمات و امکانات آموزشی توان‌بخشی را معرفی می‌کنند. در ادامه مطالب بیشتری برای آشنایی با این روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌آید.

نگاهی گذرا به نشریه‌های افراد نابینا و کم‌بینا

ایران سپید، اولین روزنامه بریل جهان

ایران سپید نام روزنامه بریلی است که روزگاری نه چندان دور منتشر می‌شد و در حوزه‌های مختلف سیاسی، هنری، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، بهداشت و سلامت فعالیت می‌کرد، البته رویکرد اصلی در تهیه مطالب این روزنامه توجه خاص به مطالب و موضوع‌های جامعه افراد نابینا و کم‌بینا بود و به‌صورت ویژه اخبار سازمان‌هایی مانند بهزیستی و آموزش و پرورش

نسل‌مانا

مراجعه به وبگاه نشریه بیشتر با آن آشنا شوند. بشری تاکنون چندین ویژه‌نامه با موضوع‌های تخصصی از جمله بهداشت و سلامت، ورزش، تحرک، جهت‌یابی و رایانه، ویژه‌نابینایان و کودک تقدیم خوانندگان خود کرده است.

سپیدآفرین نخستین نشریه قرآنی ویژه

نابینایان

فصلنامه سپیدآفرین با موضوع‌های قرآنی و مذهبی در چهار قالب بریل، صوتی، بینایی و الکترونیکی برای افراد نابینا و اطرافیان‌شان منتشر می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند از طریق تماس تلفنی با دفتر نشریه از شرایط اشتراک آن مطلع شوند؛ شماره تماس:

۰۲۵ - ۳۷۷۴۲۰۱۰

رشد روشن، خواندنی‌های سرگرم‌کننده‌ای

برای دانش‌آموزان نابینا



رشد روشن، ماهنامه بریلی است که زیر نظر مجله‌های رشد برای دانش‌آموزان نابینای دوره ابتدایی تا دوره آموزش متوسطه دوم منتشر می‌شود. این مجله قصد دارد از طریق آموزش‌های دینی و اخلاقی و دادن اطلاعات علمی، اجتماعی و زیست‌محیطی با قالب‌های متنوع شعر و داستان، گنجینه‌ها و واژگان کودکان را افزایش دهد؛ در آنها انگیزه و علاقه و عادت به مطالعه ایجاد کند و در نهایت دیوار انزوای این گروه از فرزندان را بشکند و آنها را به حضور در جمع و ارتباط بیشتر با جامعه و دنیای اطراف تشویق کند. بخشی از مطالب این نشریه به‌طور ویژه و متناسب با نیازهای خاص مخاطبانش آماده می‌گردد و بخش دیگری که به‌طور مشترک برای هر

هدف و تولید محتوای دست اول برای قشری است که از نظر دسترسی به منابع مطالعاتی روز دنیا به خط بریل، بسیار در مضیقه هستند.

جهان آزاد محلی برای پرداختن به

تجربه‌های افراد نابینا و اطرافیان‌شان

جهان آزاد نشریه‌ای صوتی و الکترونیکی برای به اشتراک گذاشتن مسائل افراد با آسیب بینایی است که در وبگاه گوش کن منتشر می‌شود. این مجله به تجربه‌های نابینایان، والدین‌شان، اطرافیان‌شان، دوستان‌شان و هر انسانی که تمایل به فهم معلولیت دارد می‌پردازد و با ترجمه مقالات بین‌المللی و جمع‌آوری مطالب شهروندان داخل کشور، راه‌حل‌های احتمالی غلبه بر مشکلات موجود را در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد.

نگاه، روزنه‌ای برای ورود به دنیای کودکان و

نوجوانان با آسیب بینایی

نگاه، نشریه صوتی و الکترونیکی دیگری برای نگاه کردن به دنیای گشت، کشف و تجربه کودکان و نوجوانان نابینا و کم‌بینا است که می‌توان از طریق وبگاه گوش کن به آن دسترسی پیدا کرد. این مجله اینترنتی همراه کودکان و نوجوانان نابینا و کم‌بینا است تا افق‌های تازه‌ای را به سوی دانستنی‌های جدید، به روی این جوانه‌های امروز و ثمره‌های فردا باز کند و می‌کوشد برای مخاطبان خود مطالب جذاب و سرگرم‌کننده‌ای مانند مباحث روان‌شناسی، قصه، انیمیشن، شعر، آشنایی با مشاغل و فناوری، مرور زندگی نوابغ، معرفی کتاب و کتاب‌خوانی داشته باشد.

بُشری، اولین نشریه دوگانه ویژه نابینایان و

کم‌بینایان در خاورمیانه

بشری ماهنامه‌ای علمی، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی است که به خط بریل برای نابینایان و با فونت درشت برای کم‌بینایان، در دو گروه سنی دانش‌آموزان و بزرگسالان منتشر می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند با

نهادهای معمولاً در این نشریه‌ها اخبار، تولیدات، برنامه‌ها و خدمات سازمانی خود را برای مخاطبان توضیح می‌دهند.

جا دارد در انتهای این بخش، نامی از نشریه‌هایی بیاید که دیگر چاپ نمی‌شوند، ولی یادشان در خاطر مخاطبان نابینا و کم‌بینا باقی می‌ماند؛ برای مثال ماهنامه «علم و فرهنگ» در دهه هشتاد با موضوع ادبی، فرهنگی و علمی به خط بریل برای مخاطبان نابینا چاپ می‌شد و جایگاه ویژه‌ای در نمایشگاه مطبوعات داشت؛ علاوه بر این فصلنامه بریل «بصیر» که در دهه هفتاد توسط سازمان بهزیستی چاپ می‌شد، از نخستین نشریه‌های افراد نابینا بود و به معرفی امکانات و فناوری روز در زمینه توان‌بخشی می‌پرداخت و مخاطبان را با زندگی افراد نابینای موفق آشنا می‌کرد. این نشریه ستون‌هایی را هم به داستان و شعر اختصاص می‌داد.

آسیب‌شناسی نشریه‌ها

نشریه‌های افراد نابینا و کم‌بینا درگیر چالش‌های مختلفی هستند که عدم رغبت خوانندگان به مطالعه یکی از آنها محسوب می‌شود. برای کاهش این مسئله، دست‌اندرکاران نشریه‌ها می‌توانند بیشتر نیاز حیاتی مخاطبان خود را بشناسند و به دغدغه‌های آنها بپردازند. اختصاصی شدن محتوا یا دسترس‌پذیر کردن نشریه‌های تخصصی در حوزه‌هایی مانند روان‌شناسی، سینما و... علاقه‌مندان به دانش را جذب می‌کند. از سوی دیگر در شرایط سخت اجتماعی اقتصادی جامعه کنونی، متنوع و سرگرم‌کننده بودن مطالب، مایه تفریح و پیگیری خوانندگان می‌شود. در این راستا می‌توان هرچند وقت یک‌بار ستون‌های تازه‌ای به نشریه اضافه کرد و موضوع سرویس‌های قبلی را تغییر داد یا از هیئت تحریریه پرتعداد بهره گرفت. کوتاهی سرویس‌ها آفت دیگر، به‌ویژه در نشر بریل است که برای کسب رضایت مخاطب لازم است موضوع‌ها در ستون‌های طولانی‌تر قوام یابد. توزیع گسترده اینترنتی و پستی و دسترس‌پذیر بودن وبگاه‌های نشریه‌ها در افزایش متقاضیان اثربخش

دو گروه دانش‌آموزان بینا و نابینا قابل استفاده است، با اقتباس از مطالب عمومی مندرج در مجله رشد تهیه می‌شود.

مروری بر سایر نشریه‌ها

نشریه‌های دیگری هم وجود دارد که به شکل‌های متفاوت منتشر می‌شوند و اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند؛ برای مثال کانال تلگرامی کمپین پیگیری حقوق افراد دارای معلولیت، یک خبرگزاری خصوصی است که به دنبال اجرا و به‌روزرسانی قانون حمایت از افراد معلول است و چگونگی پرداخت ردیف بودجه مربوط را پیگیری می‌کند و گزارش عملکرد نهادهای متولی مانند سازمان بهزیستی را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. شرکت پکتوس هم در وبگاه خود، در کنار معرفی محصولات، آخرین اخبار رسانه‌های داخلی و بین‌المللی را درباره افراد نابینا منتشر می‌کند و به آموزش انواع ترفندهای نابینایی برای انجام فعالیت‌های روزمره می‌پردازد.

مجله‌های صوتی رادیویی هم طرفداران خاص خود را دارند؛ برای مثال شش نقطه برنامه‌ای است که در رادیو تهران و کانال تلگرامی با همین نام منتشر می‌شود و با حضور کارشناسان نابینا و بینا مسائل جامعه نابینایان را واکاوی می‌کند. مجله نابینایان، رادیوی اینترنتی دیگری است که زیر نظر وبگاه گوش کن ساخته می‌شود و برای مخاطبان، فیلم و سریال توضیح‌دار و برنامه‌های سرگرم‌کننده آماده می‌کند. سوینا مجموعه‌ای است که با حمایت نخبگان نابینا و هنرمندان بینا برای افراد با آسیب بینایی فیلم، سریال و انیمیشن توضیح‌دار آماده می‌کند و در برنامه‌های رادیویی خود به موضوع‌های هنری و فرهنگی می‌پردازد و این محتواها را در وبگاه و پادکست خود منتشر می‌کند.

از سوی دیگر گاه‌به‌گاه انجمن‌های خصوصی و نهادهای دولتی به تولید نشریه‌های سازمانی اقدام می‌کنند. در این راستا می‌توان به مجله «پیک روشندل» کانون نابینایان ایران و مجله «ارمغان» مرکز رودکی اشاره کرد. این

است دسترس‌پذیر شدن بسترهای عرضه‌ارزان قیمت الکترونیک نشریات مشابه فیدیبو تسریع شود.

گرفتاری دیگر قطع همکاری اعضای تحریریه است. نشریه‌ها باید برای حل این مسئله استانداردهای پرداخت‌های مالی در مطبوعات داخلی را در قبال اعضای تحریریه‌شان رعایت کنند. آنها می‌توانند با مراکز آموزشی همکاری داشته باشند تا اعضای تحریریه جدید جذب نمایند؛ برای آموزش مهارت‌های روزنامه‌نگاری به افراد تسهیلاتی مانند تخفیف در شهریه ثبت‌نام، حق ایاب و ذهاب، راه‌اندازی دوره‌های برخط یا دعوت از استاد در مراکز خوش‌مسیر ارائه دهند. همچنین فضایی برای فعالیت نویسندگان نو قلم و نیروهای داوطلب خارج از هیئت تحریریه فراهم کنند.

مشکل آخر هزینه‌های سرسام‌آور چاپ بریل و کاغذی است. نهادهای دولتی باید دادن یارانه دولتی خرید کاغذ و کمک‌هزینه تهیه دستگاه‌های چاپگر را برای نشریه‌ها هموارتر کنند. همچنین به افراد نابینا کمک‌هزینه بدهند تا شخصاً نمایشگر بریل بخرند و هرگونه متون الکترونیکی را بخوانند. نهادهای عمومی نزدیک به محل سکونت افراد نابینا هم مانند فرهنگ‌سراها، سرامحله‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز بهزیستی می‌توانند نمایشگر بریل تهیه کنند و به اعضای نابینای خود اجازه بدهند تا نشریه‌های موجود را در سالن مطالعه آن مجموعه بخوانند و نیکوست روند دیوان‌سالاری را برای دسترسی به نشریه‌ها و نمایشگر بریل کاهش دهند.



خواهد بود. داشتن وبگاه و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی هم می‌تواند دسترسی و ماندگاری محتوا را بالا ببرد.

شکایت بعدی ضعف بودن محتوای نشریه‌ها است. اول باید مطالب بدیهی افراد نابینا و کم‌بینا، در نشریه‌های جداگانه برای آشنایی مخاطب بینا منتشر شود. استخدام مدیران و هیئت تحریریه حرفه‌ای و آموزش‌دیده در زمینه مطبوعات عامل دیگری برای ارتقای کیفیت خواهد بود؛ علاوه بر این به کارگیری هیئت تحریریه مطلع و پیگیر مسائل روز جامعه افراد نابینا و کم‌بینا باعث می‌شود مطالبی مطابق دغدغه مخاطبان تولید گردد. خوب است برای هیئت تحریریه به صورت منظم دوره‌های آموزشی گذاشته شود تا در دانش و مهارت به‌روز باشند. از طرف دیگر باید از نخبگان جامعه نابینایان دعوت به همکاری شود تا تجربه‌هایشان را برای سایر هم‌نوعان بیان کنند و با آسیب‌شناسی و بحث سازنده، جریان‌های جدید فکری راه بیندازند. ارتباط نشریه‌ها با استادان و پژوهشگران دانشگاهی هم می‌تواند باعث تولید محتوای علمی و تخصصی و ایجاد فعالیت‌های پژوهشی تازه مربوط با آسیب‌بینایی شود و شناخت عموم جامعه را افزایش دهد.

مسئله مهم دیگر، تعطیلی نشریه‌ها به علت فشارهای اقتصادی است. خوب است نهادهای حمایتی به‌جای پرداختن صرف به مشکلات مالی، به تولیدات فرهنگی برای افراد نابینا بیشتر توجه کنند و انجمن‌های حوزه آسیب‌بینایی هم با نهادهای دولتی و بنگاه‌های اقتصادی برای تأمین بودجه و محل نشر مذاکره کنند و حامی تولید مستمر و مستقل نشریه‌ها باشند. مانع دیگر حمایت‌خواهی انجمن‌های حامی است. باید انجمن‌ها تنها نقش حقوقی داشته باشند و کارهای اجرایی و تولید محتوای نشریه‌ها به متخصصان ذی‌ربط برون‌سپاری شود. از سوی دیگر اخذ مجوز نشر و حضور در نمایشگاه مطبوعات باعث شناخته شدن و گرفتن حمایت‌های دولتی و خصوصی می‌شود. داشتن تعداد سرویس‌های محدودتر باکیفیت و شیوه‌های نشر صوتی و اینترنتی هم هزینه‌های مجله‌ها را کاهش می‌دهد. در این راستا امید

سرنوشت ماده ۲۷ قانون حمایت از

معلولان

نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق معلولان

ماده ۲۷ به کدام معلولان تعلق می‌گیرد؟!

در دومین شماره از سلسله مطالب معلولان و قوانین ایران با دکتر ناصر سرگران، حقوق‌دان و فعال در حوزه حقوق معلولان، با موضوع «سرنوشت ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان» همراه شما هستیم. علاقه‌مندان می‌توانند گفتگوی تفصیلی را در پادکست ضمیمه دنبال کنند.

در فصل نهم از قانون حمایت از حقوق معلولان، با عنوان معیشت و حمایت‌های اداری و استخدامی، ماده ۲۷ قانون، الزاماتی را برای دولت به وجود آورده است. مفهوم این ماده قانونی چیست و چه تکالیفی را برای دولت به وجود آورده است؟

آنچه به موضوع گفتگوی ما مربوط است و در سال ۱۴۰۲ از سوی بسیاری از فعالان در حوزه معلولان، بر اجرای آن تأکید شده، بخش اول ماده ۲۷ است که به موجب آن دولت موظف شده است در بودجه هر سال، حداقل حقوق کار را برای معلولان شدید و خیلی شدید که شغل و درآمدی ندارند پیش‌بینی کند.

پرسش: با توجه به اینکه در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، در سال ۱۳۸۳، چنین مقرره‌ای را نداشتیم و این تکلیف برای اولین بار در قانون حمایت از حقوق معلولان سال ۱۳۹۶ به وجود آمده است، چه ضرورتی باعث تصویب این ماده و چنین تکلیفی شده است؟

پاسخ: اول اینکه در زمان تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان سال ۱۳۸۳ هنوز خبری از کنوانسیون حقوق افراد معلول نبود. از سوی دیگر قانون سال ۸۳ در قالب طرح بود و نمایندگان مجلس اختیار لازم را نداشتند تا بتوانند مقرره‌های مستلزم بودجه را به تصویب برسانند. دیگر اینکه متأثر از کنوانسیون حقوق معلولان و تحول‌های اجتماعی، درخواست‌های معلولان از درخواست‌های حداقلی از جمله مناسب‌سازی و عدم تبعیض گذر کرد تا به مسائل پیچیده‌تر، از جمله هزینه‌های جبرانی در زندگی معلولان رسید.

پرسش: کدام گروه از معلولان و با چه شرایطی مشمول بخش اول ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان هستند؟

پاسخ: تکلیف دولت به پرداخت حداقل حقوق اداره کار به معلولان با معلولیت شدید و خیلی شدید که شغل و درآمدی ندارند، اعم از دولتی و غیردولتی. اگرچه در اغلب موارد افرادی که شغلی ندارند، درآمد هم ندارند، ولی ممکن است برخی افراد که شغلی ندارند، از راه‌های دیگر درآمد داشته باشند. منظور از حداقل حقوق کار، حداقلی است که شورای عالی کار که زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، باید سالیانه آن را پیش‌بینی کند که در سال ۱۴۰۲، معادل پنج میلیون و سیصد و هشت هزار تومان است.

بازهم تأکید می‌کنیم که صرفاً مشاغل رسمی اعم از کشوری، کارگری و ... فقط مورد نظر قانون‌گذار نبوده است. مهم این است که معلولان تأمین مالی داشته باشند. (در پادکست ضمیمه این شرایط و چگونگی پرداخت، به تفصیل، توضیح داده شده است).

پرسش: در کارت‌های آی‌سی‌اف (ICF) که در آنها معلولان طبقه‌بندی شده‌اند و غیر از وضعیت جسمی، حسی و روانی فرد، موضوع‌های دیگر هم در این طبقه‌بندی تأثیرگذار است، در مواردی، نوع معلولیت به درستی درج نمی‌شود. با توجه به مسئولیت شما در تشکل نابینایان، چه تجربه‌هایی در این خصوص دارید؟ پاسخ: با توجه به تکالیف مالی که برحسب نوع معلولیت برای دولت به وجود می‌آید، در این

نسل‌مانا

در پادکست ضمیمه موضع دولت و چگونگی پرداخت هر یک از مستمری‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است).

پرسش: مانع و چالش اصلی در اجرای ماده ۲۷ چیست؟ پاسخ: چالش اصلی این است که معلولان، در برنامه‌ریزی‌ها و قانون‌گذاری‌ها دیده نمی‌شوند. دولت بر اساس میزان مشکلاتی که ممکن است گروه‌های مختلف به وجود بیاورند، برنامه‌ریزی می‌کند و اولویت را به گروه‌های صاحب فشار سیاسی بیشتر می‌دهد. معلولان کمترین فشار را بر دولت دارند. تجربه معلولان در کشورهای دیگر هم این نکته را تأیید می‌کند.

پرسش: برای اینکه معلولان مشمول این ماده، به حقوق خود دست یابند، چه اقدامات قضایی متصور است؟ پاسخ: یکی از سازوکارها برای اجرای قانون، استفاده از اهرم قضایی است. معلولان به‌عنوان جزئی از جامعه می‌توانند از تصمیم‌های خلاف قانون دولت و وظایف قانونی که دولت انجام نداده است، در دیوان عدالت اداری شکایت کنند.

(برای آگاهی از چگونگی انجام این شکایت به پادکست ضمیمه مراجعه کنید).

پرسش: از منظر قضایی چه اقدامی تا به حال انجام شده است؟

پاسخ: به دنبال پرسش‌ها و مطالبه‌گری معلولان، به‌موازات بهره‌گیری از ابزارهای قانونی و اجرایی، دادخواست اولیه تنظیم و در کانال کمپین پیگیری حقوق معلولان قرار گرفت. بسیاری از معلولان دادخواست‌های خود را از طریق دفاتر خدمات قضایی در دیوان عدالت ثبت کردند.

(علاقه‌مندان می‌توانند نتیجه این دادخواست‌ها را در پادکست ضمیمه دنبال کنند).

پرسش: پس از این دعاوی، آیا حداقل حقوق برای عده‌ای برقرار شده است؟

پاسخ: در مورد گروهی به‌سازمان بهزیستی اجرای رأی ابلاغ شده است، عده‌ای هم از این مرحله گذشته‌اند و حداقل حقوق را دریافت می‌کنند.

طبقه‌بندی‌ها، به‌نوعی حساست شده و تلاش می‌شود از شدت معلولیت بکاهند تا فرد معلول از امتیازات قانونی کمتری بهره‌مند شود.

پرسش: آیا قبل از تصویب قانونی، محل و سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز برای اجرای آن در نظر گرفته نمی‌شود؟

پاسخ: قوانینی که دغدغه اکثریت نمایندگان نیست، به جزئیات آن هم توجهی نمی‌شود. از سوی دیگر دولت‌ها از نظر سیاسی صرفاً تلاش می‌کنند در طول زمان جامعه را راضی نگه دارند که این نگرش در قانون‌گذاری‌ها هم تأثیرگذار است. از نظر حقوقی شورای نگهبان بدون در نظر گرفتن این مصلحت‌اندیشی‌ها اجازه تأیید قانون مصوب مجلس را ندارد.

پرسش: آیا از نظر حقوقی، نبودن یا کمبود اعتبارات و بودجه لازم برای اجرای قانون، می‌تواند مستمسک عدم اجرای یک تکلیف قانونی باشد؟

پاسخ: قانون الزام‌آور است و با نوشته‌های عادی افراد تفاوت دارد. از سوی دیگر این قانون در قالب لایحه است و دولت، خود این تکلیف‌مالی را پذیرفته است و با توجه به شرایط نامناسب اقتصادی موجود، این تکلیف جزء حداقل‌ها برای زندگی معلولان است. در آرای وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری که الزام‌آور است، تأکید شده که نبود یا کمبود بودجه نمی‌تواند حقی را ساقط کند.

پرسش: آیا دولت به تکلیف قانونی خود در این زمینه عمل کرده و بودجه مورد نیاز را پیش‌بینی کرده است؟

پاسخ: پس از گذشت مدت‌زمانی از تصویب و اجرایی شدن قانون، دولت بودجه حداقلی را پیش‌بینی کرد، ولی در قانون بودجه سال ۱۴۰۲، ردیف بودجه مربوط به قانون حمایت از معلولان حذف شد؛ با این استدلال غیرقانونی که در بودجه سازمان بهزیستی گنجانده شده است! این ماده شامل دو نوع مستمری؛ مستمری ماهانه، یعنی موضوع ماده ۷۹ قانون برنامه ششم توسعه و کمک‌هزینه معیشت معلولان می‌شود.

احمد رضا در آیینۀ منابع

محمد نوری: نویسنده و پژوهشگر حوزه معلولیت

احمد رضا (تولد ۱۲۹۰ش) در دو سالگی بر اثر آبله نابینا شد. او از کودکی به کتاب و علم‌آموزی و تحصیل علاقه داشت؛ هرچند متأسفانه تا سیزده‌سالگی نتوانست به مدرسه برود. او از



اولین نابینایانی است که معلم، کتابدار و نویسنده شد و بیش از بیست عنوان کتاب نوشت. احمد رضا در شمار نسل نخست نابینایان ایران است که به‌جای تن دادن به تکدی و مشاغل سطح پایین به سراغ مشاغل فرهنگی رفتند و تلاش کردند با عزت زندگی کنند. آثار چاپ‌شده احمد گویای آن است که از دیدگاه‌های پیشرفته و اطلاعات به‌روز برخوردار و آدم فرهیخته و دارای نبوغ و خلاقیت بود، اما با این اوصاف وقتی نام و آثارش را در نشریه‌ها و منابع جستجو می‌کنیم، فقط چهار مطلب کوتاه درباره او می‌یابیم. در صورتی که اگر احمد در یکی از کشورهای اروپایی بود، به‌عنوان متفکر و سرمایه ملی از او استقبال می‌شد؛ حتماً جلسه‌های نقد و بررسی کتاب‌هایش برگزار می‌شد و او و اندیشه‌اش را معرفی می‌کردند. همچنین طرح‌هایی که در زمینه‌های مختلف برای حل مشکلات فرهنگی داشت، توسط کارشناسان بررسی می‌شد، اما در ایران هیچ توجهی به او نشد و آن‌چنان غبار مظلومیت و گرد غفلت بر احمد و امثال او پاشیده شده است که آدمی را افسرده و از همه‌چیز و همه‌کس دلسرد می‌کند.

با خود فکر کردم احمد رضا را به‌عنوان یک نمونه بررسی کنم تا معلوم شود یکی از دلایل مهم عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت ما این است که چنین ذخایر و منابعی را با بی‌توجهی، کنار می‌گذاریم و این گنجینه‌ها هم با ناامیدی در غم خود می‌میرند یا مهاجرت می‌کنند و به دیگر کشورها می‌روند. در هر دو صورت ایران گنج‌های

پرسش: آرای صادره از سوی شعب دیوان، به لحاظ کمی، به نفع معلولان واجد شرایط یا علیه آنها بوده است؟

پاسخ: علی‌رغم عدم دسترسی به آمار دقیق در این خصوص، تقریباً نیمی از آرا به نفع معلولان واجد شرایط صادر شده است.

پرسش: ادامه راهکار قضایی چه خطراتی دارد؟

پاسخ: بهزیستی به دنبال تصویب آیین‌نامه‌ای برای به حداقل رساندن مشمولان ماده ۲۷ است.

(علاقه‌مندان برای آگاهی از دیگر تبعات و خطرات احتمالی، از منظر اداری و قضایی، به پادکست ضمیمه مراجعه کنند).

پرسش: مطالبه‌گری معلولان از طریق برگزاری تجمع‌ها و کمپین‌ها تا چه میزان می‌تواند در دسترسی معلولان به این حق مؤثر باشد؟

پاسخ: تجربه تاریخی نشان داده، تجمع‌ها در صورت انسجام بیشتر و حضور فعالانۀ تشکل‌های معلولان، مؤثر و راهگشا خواهند بود.

علی‌رغم تلخی بعضی مباحث، در حال معلولان باید موضع خود نسبت به قوانین و چگونگی مطالبه‌گری نتیجه‌بخش را بدانند و ابزار رسانه بازوی توانمندی در کنار این مطالبه‌گری‌ها خواهد بود.

باید معلولان در این مطالبه‌گری‌ها آگاه باشند و به سمت لفاظی‌های سیاسی فقرزدایی و اصلاح قانون و عناوینی از این دست منحرف نشوند و ضمن استفاده از ابزارهای مختلف که در گفتگوی تفصیلی به آن پرداخته‌ایم، به مطالبات به‌حق خود ادامه دهند.



نسل‌مانا

کتاب اول ۵۶ صفحه، کتاب دوم ۲۷ صفحه و کتاب سوم ۱۲۴ صفحه است، ولی نویسنده گزارش کل مجموعه را ۱۲۴ صفحه نوشته است، در حالی که این ۲۰۷ صفحه است.

۲- هیچ نکته‌ای درباره عبارت اثری از بی‌بصری نوشته است، در حالی که احمد در مقدمه منظورش را توضیح داده و گفته اثری، یعنی کتابی از بی‌بصری، یعنی نابینایی تقدیم به جامعه می‌شود.

۳- اینکه نویسنده گزارش نوشته است کتاب حاوی تقریراتی و متضمن نظریات اصلاحی است، درست نیست؛ چراکه هر سه کتاب واقعاً پژوهش و تدوین است، یعنی مطالبی را با تدقیق و تحقیق نوشته است. اینکه می‌گوید متضمن نظریات اصلاحی است، خوب است، ولی اگر می‌نوشت «اصلاحی و ابتکاری» بهتر بود.

۴- در گزارش نوشته است این اثر شمه‌ای از سرگذشت و طرز کار احمد رضا است که این هم مطلب درستی نیست، زیرا جلد اول زندگی‌نامه خودنوشت مؤلف است. جلد دوم درباره روابط و مناسبات جامعه و نابینایان، یعنی برخورد و رفتار مردم با نابینایان و عکس آن است و جلد سوم درباره مشکلات و موانع پیشرفت نابینایان یا به تعبیر امروزی «آسیب‌شناسی» است که چنین مباحثی پیش از آن سابقه نداشته و احمد برای اولین بار آنها را مطرح کرده است.

۵- در گزارش نوشته است: طهران، ۱۳۲۸. با توجه به اینکه احمد این کتاب را به کتابخانه مجلس اهدا کرده و در یادداشت اول کتاب، تاریخ اسفند ۱۳۲۷ را نوشته است، یعنی این کتاب را منتشر و چاپ کرده و در اسفند ۱۳۲۷ به کتابخانه هدیه کرده است؛ بنابراین ذکر سال ۱۳۲۸ مشکل دارد؛ هر چند کتاب شناسنامه ندارد.

۶- اینکه نویسنده گزارش نوشته است: مؤلف این کتاب اگرچه بدبختانه از نعمت بینایی محروم مانده ...، به کار بردن دو کلمه بدبختانه و محرومیت، در خطاب با نابینایان صحیح نیست و در واقع نوعی توهین به آنها است، یعنی چون مؤلف نعمت بینایی را ندارد، موجب

گران‌بهای خود را از دست داده و می‌دهد. بله! معدودی از افراد که به قدرت وصل هستند، پول و پارتی دارند، مطرح‌اند، ولی در واقع آنها درصد اندکی هستند و دوم اینکه بسیاری از آنها، از نظر محتوا ضعیف‌اند.

اولین بار مردم و اهل فرهنگ و مطالعه، در سال ۱۳۲۸، نام احمد رضا و نام یکی از کتاب‌های او به نام *اثری از بی‌بصری* را در مجله یادگار دیدند. در آن زمان احمد سی و هشت‌ساله بود و تازه کتاب اثری از بی‌بصری را با هزینه خودش و با مشقت بسیار منتشر کرده بود. مجله یادگار در شماره فروردین و اردیبهشت ۱۳۲۸، در بخش «مطبوعات تازه» این کتاب را به‌عنوان چهاردهمین کتابی که به‌تازگی در ایران منتشر شده بود، معرفی کرد. «مطبوعات تازه» یعنی کتاب‌های تازه منتشر شده که امروزه به آن «تازه‌های کتاب» یا «تازه‌های نشر» می‌گویند.

خبرنگار مجله یادگار درباره این کتاب و نویسنده‌اش یعنی احمد رضا این‌گونه نوشته است: «اثری از بی‌بصری شامل دو قسمت یا سه کتاب در یک جلد حاوی تقریراتی از آقای احمد رضا و متضمن نظریات اصلاحی و شمه‌ای از سرگذشت و طرز کار ایشان در ۱۲۴ صفحه به خط ریز، طهران ۱۳۲۸ شمسی. مؤلف این کتاب اگرچه بدبختانه از نعمت بینایی محروم مانده، ولی در عوض از حسن قریحه و هوش و ذکا و فطنت و حافظه سرمایه‌های وافر دارند و به مدد آنها همین اوراق تأثرآور را گرد آورده و به خوانندگان بایصر تقدیم داشته‌اند تا شاید موجب بصیرتی ایشان را فراهم آید» (ص ۱۶۰).

این گزارش شامل نکات خوب و متأسفانه غلط‌های نگارشی اساسی است و نشان می‌دهد نویسنده گزارش، اهل کتاب و خیره در امور کتاب نبوده یا اگر بوده درصدد بوده است با عجله مطلبی تهیه کند.

نکات خوب و غلط مندرج در این گزارش را به‌ترتیب می‌نویسم:

۱- کتاب اثری از بی‌بصری مجموعه‌ای از سه کتاب است که صفحات هر یک از شماره یک شروع شده.

از سندنج گرم تا دالانپر سرد

دکتر صلاح‌الدین محمدی: کوه‌نورد نابینا

اواخر تیرماه است و گرما تا جایی که امکان دارد بر قدرت خود افزوده است و چون فرماندهی کاربلد، تمام قوای خود را در جبهه‌های مختلف با درایت کامل رهبری می‌کند و خصم را که ما انسان ضعیف باشیم، همه‌جا عقب رانده و در مقابل این سطح از گرما ناتوان ساخته است؛ طوری که کار به تعطیلی اداره‌ها، خاموشی‌های مکرر برق و خیلی ترفندهای دیگر رسیده است.

در اوج گرمای تموز و در چنین تابستانی جانکاه، مژده رفتن به دامنه‌های سرد و فرح‌انگیز شمال غرب ایران و دیدار با قلّه کوه همیشه سرسبز دالانپر، شیرین‌تر از انگبین و گواراتر از باده دیرین است.

دالانپر در زبان کردی، به معنی «محل پرواز عقاب‌ها» است. این منطقه زیبای طبیعی در ۳۵ کیلومتری شهرستان اشنویه، از توابع استان آذربایجان غربی، و با ارتفاعی در حدود ۳۴۶۶ متر، در نقطه صفر مرزی سه کشور ایران، عراق و ترکیه واقع شده است؛ طوری که با ایستادن روی این قلّه زیبا، به‌آسانی مناطقی از سه کشور را خواهید دید.

با امید به تجدید دیدار با دالانپر زیبا و همیشه خنک، ساعات اولیه بامداد پنجشنبه ۲۹ تیرماه در قالب گروه کوه‌نوردی عصای سفید کردستان با استفاده از یک دستگاه مینی‌بوس به همراه یازده نفر دیگر از هم‌نوردان نابینا و بینا، سندنج را به سمت اشنویه ترک می‌کنیم. در شهرستان سقز، کاک زاهد ذوالفقاری هم‌نورد خوش‌دل و سرپرست گروه عصای سفید سقز نیز به ما ملحق می‌شود.

صبحانه را در پارکی باصفا، در شهر نقده، صرف کردیم و بلافاصله به سمت اشنویه و روستای سوله دوکل حرکت کردیم. ساعت از یازده گذشته است که در شهر دیزج مَرگور از مینی‌بوس پیاده می‌شویم. با کرایه‌کردن یک نیسان، به سمت محل کمپ و منطقه موسوم به «میرگه فال» به معنی «چمن‌زار» حرکت می‌کنیم. هوا

بدبختی و محروم شدن اوست. امروزه توصیه می‌شود از این ادبیات استفاده نشود.

۷- در این متن آمده است که در عوض از هوش، ذکا و فطنت و حافظه، سرمایه‌ای وافر دارند که اگر به‌جای ذکا و فطنت، ذکاوت و فطانت می‌نوشت بهتر بود، اما خوب بود علت بهره‌مندی احمد از هوش و فطانت و حافظه را می‌نوشت، مثلاً می‌گفت در کتابش گفته حدود بیست عنوان کتاب نوشته، در دانشگاه شاگرد اول بوده و با موفقیت دوره تحصیل را گذرانده است و خلاصه از متن کتاب، نمونه‌هایی دال بر این ویژگی‌ها می‌آورد.

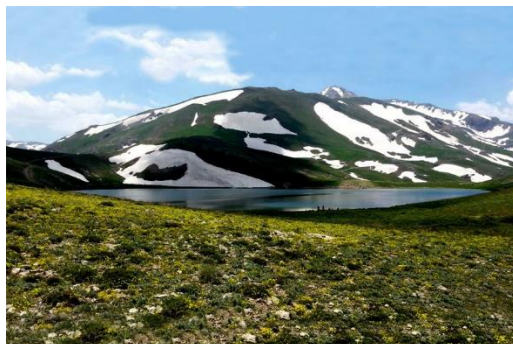
۸- نوشته است: به مدد این ویژگی‌ها این اوراق تأثیرآور را گرد آورده ... واژه تأثیرآور، یعنی ناراحت‌کننده و کاربردش در مورد احمد و کتاب احمد درست نیست. اتفاقاً کتاب احمد موجب خوشحالی است. تعبیر اوراق هم متضمن نوعی کوچک شمردن کتاب احمد است.

۹- نوشته است: کتاب را به افراد بابصر (بینا) تقدیم کرده تا شاید موجب بصیرتی ایشان را فراهم آورد. کلمه بصیرتی درست نیست و باید می‌نوشت بصیرت مردم را فراهم آورد.

شایسته بود که خبرنگار مجله مطالبی از کتاب را به‌صورت گزینشی می‌آورد تا معلوم شود این کتاب برای آگاهی‌بخشی به جامعه و فرهنگ‌سازی چقدر مهم و مؤثر است.

به‌رحال این گزارش، هفتاد و چهار سال قبل منتشر شده و از این نظر که اولین نشریه‌ای است که به احمد و کتابش بها داده، قابل‌تقدیر و تشکر است.

ادامه دارد



نسلمانا

دلربایی می‌کند، اما سعادت کوه در این است که قدرتی وجود ندارد تا زیبایی‌هایش را به‌زور زیر حجاب و چادر زنده‌به‌گور کند!

کاش انسان دست از تعقل و تفکر می‌کشید و به طبیعت حیوانی خود بازمی‌گشت تا با پیروی از نیروی غریزه، جز برای تأمین نیاز خود، دست به کشتار جانوران و تخریب طبیعت نمی‌زد و با توسل به قوانین ساختگی و واقعیت‌های خیالی خویش، هموعانش را آزار نمی‌داد و بدین‌سان واقعیت‌های عینی را نابود نمی‌کرد!

القصد، با رسیدن به جاده‌ی نظامی که برای دسترسی به پاسگاه‌های مرزی احداث شده است، از آن می‌گذریم و وارد مسیر سنگی و صخره‌ای صعود می‌شویم که لازم است در قسمت‌هایی از مسیر دست به سنگ شویم و چالش‌ها و تجربه‌های هیجان‌انگیزتری از ورزش کوه‌نوردی را تجربه کنیم.

در نهایت ساعت شانزده است که در هوایی نسبتاً خنک دست در گردن عروس شمال غرب ایران انداخته و چشم و دل را از شکوه و عظمتش سیراب می‌کنیم. دیدار با دوست را با تصاویر دوربین‌ها جاودانه می‌سازیم و افتخار و شادی وصال دالانپر را با نغمه‌هایی از جنس عشق جشن می‌گیریم. غیر از ما گروه‌های دیگری نیز به دیدار لانه‌ی عقاب‌ها، یعنی دالانپر شتافته‌اند که در مسیر با آنها برخورد می‌کنیم یا در قله در ضیافت دالانپر با آنها شریک می‌شویم. بعد از توقف کوتاهی در قله و تبادل و تناول خوراکی‌هایمان، به سمت محل چادرها برمی‌گردیم.

حدود ساعت نوزده است که به کمپ می‌رسیم. صدای موسیقی از هر طرف بلند است و معلوم است که گروه‌های دیگری از راه رسیده‌اند و در این نقطه باصفا کمپ برپا کرده‌اند تا صبح روز بعد صعود کنند. سروصدای گروه‌های کوه‌نوردی با صدای بعبع گوسفندان سیاه‌چادرها و عوعوی سگان آنها که در این نقطه اتراق کرده‌اند، درآمیخته و فضای کوهستان را به قابی از زندگی مبدل کرده که سرود عشق و زندگی را در آن، زنده‌تر از همیشه سر داده‌اند.

همچنان گرم و آزارنده به نظر می‌رسد، اما هرچه بالاتر می‌رویم، بر خنکای آن افزوده می‌شود و هم‌نوردان را مژده‌ی صعودی خوش و به‌یادماندنی می‌بخشد؛ هرچند گاه جاده‌ی خاکی ناهموار و تکان‌های شدید ماشین آزاردهنده می‌شود، اما صفای نیشان‌سواری در چنین فضا و شرایطی، دل‌چسب و خاطره‌انگیز است.

حدود ساعت دوازده است که به محل کمپ می‌رسیم. نقطه‌ای که سراسر پوشیده از چمن و پوشش گیاهی نرم و لطیف در دو طرف یک جوی آب است. علاوه بر گروه عصای سفید، گروه‌های کوه‌نوردی دیگری نیز به دیدار این زیبای خنک شتافته‌اند. به محض رسیدن به محل کمپ شبانه، بلافاصله چادرها را برپا می‌کنیم و همه‌ی اعضای تیم، جز دو نفر که برای نگاهبانی از چادرها در محل کمپ می‌مانند، حدود ساعت یک به سمت قله حرکت می‌کنیم.

خورشید در این ساعت با تمام قدرت خود می‌تابد و تا جایی که زور دارد بر گرمای نگاهش افزوده است، اما هوا در این نقطه به علت برف‌هایی که در بالادست وجود دارد، کاملاً خنک و مطبوع است. مسیر صعود از میان پوشش گیاهی نرم و لطیف است که دم‌به‌دم بر شوق صعود می‌افزاید و پنجره‌ی دل را به فرحی روح‌افزا می‌گشاید. موسیقی جویبارانی که از لابه‌لای این پوشش گیاهی خوش‌عطر جاری است، بر دلربایی فضا افزوده است. دیری نمی‌گذرد که مسیر صعود وارد پاکوبی با شیب نسبتاً تند می‌شود. مسیر تقریباً از این نقطه تا رسیدن به جاده‌ی نظامی، با همان شیب تند ادامه پیدا می‌کند، اما پوشش گیاهی حریرفام زیر پای هم‌نوردان، سختی و دشواری صعود را بیش از پیش آسان نموده و در هر گام انرژی تازه‌ای به ساق‌هایمان تزریق می‌کند. دالانپر با قبای زمردین خود که با لکه‌های برفی مانده از زمستان، آن را تزیین کرده است، زیباتر از همیشه به نظر می‌رسد، با رایحه‌های مشام‌نواز انواع گل‌های بهاری، خود را معطر ساخته است و چون عروسی باشکوه برای کوه‌نوردان و طبیعت‌دوستان، خوش‌خوش می‌خُرامد. دالانپر با شیطنتی دخترانه، از همه دلبری و

نسلمانا

اگر در کنار موسیقی ملایم آب، با صدای داوودی حسن زیرک و محمد مامله، از خوانندگان شهیر کرد، به خواب بروید.

نکته آزاردهنده‌ای که به دور از فرهنگ کوهنوردی است، این است که یکی از گروه‌ها با نادیده گرفتن حقوق استراحت دیگران، تا نیمه‌های شب به آواز و موسیقی خود ادامه داده و با سروصدای خود، استراحت و آسایش را از دیگران سلب کرده بودند. همین‌جا لازم است که به یاد داشته باشیم سرشت اجتماعی انسان به این معنی است که همه‌جا، حتی در کوهستان نیز حواسمان به حقوق دیگران باشد و فکر نکنیم که اینجا دیگر کوهستان است و از همه لحاظ آزاد هستیم، چون این آزادی ما به قیمت تضییع حقوق دیگران ختم می‌شود. این شب به یادماندن نیز به سرآمد و پس از صرف صبحانه، بلافاصله با نیشان محمدآقا به سمت روستای سوله دوکل برگشتیم.

پیش از عزیمت به سنندج، لازم بود که به دیدار آبشار بزرگ و خروشان سوله دوکل برویم تا بازهم با دیدن این پدیده طبیعی و گوش دادن به غرش و صوت موسیقایی آن، باز وجود را سرشار از انرژی دیرپای طبیعت سازیم و بار دیگر نرد عشق را به این همه لطف و زیبایی طبیعت ببازیم. این آبشار زیبا محصول ذوب شدن برف‌ها و چشمه‌های متعدد دالانپر است که به صورت آبشاری بزرگ در روستای سوله دوکل منظره‌ای جذاب و چشم‌نواز را خلق کرده است که هر ساله هزاران گردشگر را از نقاط دور و نزدیک جذب زیبایی خود می‌کند.

آبشار در قسمت غربی روستا قرار دارد و می‌توان با پنج دقیقه قدم‌زدن، به وصال آن نائل شد. موقعیت آبشار به گونه‌ای است که فقط می‌توان از دور آن را مشاهده کرد و به صدای دل‌انگیز آن گوش داد. با ثبت تصاویر، دیدار با آبشار سوله دوکل را جاودانه و اشنویه، پایتخت گیلاس ایران، را به سمت سنندج گرم ترک کردیم. جای سایر دوستان سبز!

به محض رسیدن به محل چادرها، کاک توفیق ظریف، یکی از یاران باوفای گروه، به استقبالمان آمده و با چای زغالی که برایمان آماده کرده است، خستگی را حسابی از تن‌هایمان می‌زداید و دل‌هایمان را مملو از مهر و صفای عالم کوهنوردی می‌کند. دست و صورت را در آب سردی که در بین چادرها جاری است، می‌شوئیم و با نوشیدن یکی دو جام از این مایع سرد و زلال، جانی تازه می‌گیریم. بعد از خوردن شام، بزم موسیقایی کوهنوردی را در فضای کوهستان ساز می‌کنیم و خود را، کم‌کم، به این کیمیای جان می‌سپاریم که هر دم ما را از خود بی‌خود می‌کند و لحظات خوشی را برایمان رقم می‌زند. موسیقی چون آهن‌ربایی قوی، میدان مغناطیسی شگفت‌انگیزی خلق و تمام ساکنین چادرهای دیگر گروه‌ها را دور ما جمع می‌کند و با جوهر سحرانگیز خود، همه را یکی می‌کند و به درون این کانون عجیب می‌کشد.

دیری نمی‌گذرد که یار دیرین موسیقی، یعنی رقص نیز هم‌نوردان را جادو می‌کند؛ همه یکی می‌شوند، خودی و غیرخودی دست در دست هم شعر زندگی را با تمام وجود می‌خوانند و تمام بندبند بدن خویش را با حرکات موزون به رقص درمی‌آوردند و باده زندگی را در ساغر جان می‌ریزند. شعر، آواز، موسیقی، نسیم پوست‌نواز و خنک شبانه، فضای بهاری و سرشار از تری و تازگی محیط کوهستان، نغمه طبیعت‌دوستان، شادی‌شان، وجد و سرخوشی آنها و کلام گرم و صمیمی هر کدام از آنان، همه و همه، انرژی‌های مثبتی هستند که در کنه وجود آدمی می‌ریزد و آنچه خوبی و نیکی و انسانیت است، از این باغ مملو از مهر و صفا، برمی‌خیزد. پس از چند ساعت، چون تعدادی از گروه‌ها قرار است صبح روز بعد، صعود کنند، ناچار دست از موسیقی و این همه انرژی مثبت می‌کشیم و کم‌کم مهیای خواب در فضای بسیار خنک و اسرارآمیز کوهستان می‌شوئیم. خواب چه لذتی دارد در کنار جویباری که موسیقی شرشر آن، چون لالایی مادری مهربان، کم‌کم خواب را در تمام وجودتان تزریق می‌کند! لذت چنین خوابی صدها برابر می‌شود،

نابینایان در این راستا به تولید کتب موسیقی بریل همت داشته باشند، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های مهم بر سر راه آموزش تخصصی موسیقی برداشته خواهد شد.

الماسی در ادامه اسامی برخی از نابینایانی که در تهیه کتب موسیقی و تبدیل آنها به بریل فعالیت دارند را ذکر می‌کند. وی می‌افزاید این افراد بدون هیچگونه حمایتی تلاش دارند تا کتب موسیقی در اختیار هنرجویان نابینا قرار بگیرد هرچند فعالیت‌های آنان به تنهایی کافی نیست و علاقه‌مندان به این کتب هم برای تهیه متحمل هزینه‌های زیادی هستند.

میهمان نواک توضیح می‌دهد: سال‌های گذشته که بحث تحریم ایران مطرح نبود، می‌توانستیم کتب موسیقی بریل را از کتابخانه‌های خارج از کشور امانت بگیریم و نت‌های آنها را بنویسیم. اما امروزه چنین امکانی وجود ندارد. شهاب الماسی در ادامه این گفت‌وگو به این سؤال که آیا هنرمندان نابینای ایرانی امکان دریافت فایل‌های آماده به چاپ بریل موسیقی را از دوستان خود در خارج از کشور ندارند؟ می‌گوید: آنها فایل‌های زیادی که حاوی آموزش سازهایی چون آکاردئون، ویولن، کلارینت، گیتار و دیگر سازها است را برای دوستان خود در ایران ارسال کرده‌اند اما هزینه چاپ بریل آنها بالا است.

در نهایت الماسی لیستی از کتب موسیقی آماده به چاپ و یا چاپ شده بریل را برای علاقه‌مندان به موسیقی نام می‌برد که می‌توانند مورد استفاده هنرمندان قرار گیرند. علاقه‌مندان به فراگیری موسیقی می‌توانند مشروح این گفتگو را که حاوی اطلاعاتی ارزشمند در زمینه چگونگی دسترسی به منابع بریل یادگیری موسیقی است، در قالب یک فایل صوتی از وبسایت و کانال‌های نسل مانا دریافت کنند.

در پایان یادآور می‌شویم که برای تهیه منابع مطالعاتی خود به بخش‌های نابینایان کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور مراجعه فرمایید.

نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا

رقیه شفیعی:: کارشناس بخش نابینایان نهاد کتابخانه‌های عمومی ایلام

میهمان لحظات شما می‌شویم تا راجع به موسیقی و کتب مورد نیاز هنرجویان نابینا و شرایط و تهیه این کتب با یکی از فعالان این حوزه گپ و گفتی داشته باشیم.

در این مجال میزبان شهاب الماسی فارغ‌التحصیل کارشناسی موسیقی و کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی شده‌ایم تا برای مان راجع به موسیقی و شرایط نت نویسی کتب موسیقی برای نابینایان صحبت کنند.

الماسی متولد ۱۳۶۰ است و موسیقی را از ده سالگی نزد پسر دایی خود آموخته و در مدرسه شاگرد مرحوم محمد رضا لکا بوده است. وی در ۱۷ سالگی به مدت سه سال به عنوان مربی موسیقی مهد کودک فعالیت داشته است.

الماسی ابتدا به توضیحاتی در باب موسیقی و نقش آن در زندگی نابینایان می‌پردازد و سپس ادامه می‌دهد که افراد نابینا به دلیل محدودیت‌های شغلی که دارند، تلاش کرده‌اند از راه موسیقی برای خود ایجاد شغل کنند. وی توضیح می‌دهد در سال‌های گذشته که ساخت ملودی‌ها متکی به نیروی انسانی بود نابینایان می‌توانستن با شرکت در مراسم‌های مختلف اعم از عمومی و خصوصی برای خود کسب درآمد کنند؛ اما امروزه این امر به وسیله برنامه‌های کامپیوتری که عمدتاً گرافیکی هم هستند انجام می‌گیرد و کمتر کسی از طریق روش‌های قدیمی به ساخت ملودی می‌پردازد.

میهمان نواک همچنین به توضیح درباره مشکلات بر سر راه آموزش تخصصی موسیقی به نابینایان می‌پردازد و چالش‌های پیش روی افراد نابینا برای آموختن موسیقی را بر می‌شمارد. وی ادامه می‌دهد که خود او از سال ۹۳ تا کنون در زمینه تبدیل کتب موسیقی به بریل فعالیت داشته و می‌افزاید: اگر سازمان‌های متولی امور

یک سوزن به خودمان



بزرگوار با تندی پاسخ داد: اولاً من نابینا نیستم و روشن‌دل هستم. این آقا هنوز بلد نیست با یک روشن‌دل مظلوم چطور صحبت کند. ثانیاً ما روشن‌دلان همه‌جا را مثل کف دستمان بلد هستیم و نیازی به راهنمایی این

قزمیت نداریم. خداوند یک چیزی از ما گرفته، یک چیزی جایش داده. ثالثاً این آقا با مشت به صورت من زد، من هم ایشان را زیر قطار انداختم. شاکی گفت: آقای قاضی! من که سر خود نرفتم کمک. این بخشی از وظیفه شغلی ماست. داستان این است که من رفتم این آقا را راهنمایی کنم که یکپهو، بی دلیل شروع به فحاشی کرد و از دست من فرار کرد. در همین حین، یکی از مسافره‌های خانم از ایشان پرسید که نیاز به کمک دارند یا نه، ایشان هم با کمال میل پذیرفت و آن چنان مسافر را بغل کرد که بنده خدا وحشت کرد. بعد نمی دانم چه شد که همراه آن مسافر که یک آقا بود، با مشت ایشان را زد. من رفتم جلو که جدایشان کنم که این بزرگوار من را گرفت و شوت کرد زیر قطار. دوست روشن‌نمای ما گفت: اولاً که ایشان یک خانم محترم بودند که من نمی توانستم و نباید دست رد به سینه مبارکشان می‌زدم. ثانیاً چرا شما محدودیت‌های ما را درک نمی کنید. طبیعی است که من آن خانم را نمی‌دیدم و برای اینکه درست من را راهنمایی کنند و یک‌وقت، خدای ناکرده، از دست من درنرود، مجبور بودم سفت بگیرم. همچنین در نظر داشته باشید ما روشن‌دلان به واسطه حس قوی لامسه، توانایی شگرفی در شناخت توده‌های مشکوک بدن داریم. خب! من هم هم‌زمان داشتم بدن ایشان را بررسی می‌کردم که یک‌وقت توده‌ای، چیزی نداشته باشد. اصلاً سؤال من از این آقای قزمیت این است که مگر مترو کارمند خانم ندارد که همه‌اش این لندهور را برای راهنمایی من می‌فرستند؟ در همه جای دنیا کارهای این شکلی را به بانوان، به‌ویژه بانوان زیر سی سال واگذار می‌کنند. اصلاً همان خانم خوش‌صدایی را که توی همه قطارهاست و اسم همه ایستگاه‌ها را حفظ است بفرستند ما را راهنمایی کند. این طوری ما هم بیشتر بهره

یک عمر باشرافت زیستیم و پایمان به دادگاه و پاسگاه باز نشد، اما این دوستان عزیز کاری کردند که بالاخره پای ما هم به این اماکن مقدس باز شد، البته قبول دارم در یک سال گذشته فقط آدم‌های شریف راهی دادگاه پاسگاه شده‌اند و ناشریف‌ها در حال تذکر لسانی داوطلبانه هستند. حالا اینکه تذکره‌دهندگان داوطلب چه مقدار گوشت و مرغ و ساندیس دریافت می‌کنند به این نوشته مربوط نیست. باری، چند وقت پیش احضاریه‌ای دریافت کردیم که ما را به دادگاه ویژه کورانیت دعوت کرده بود. در توضیح این احضاریه آمده بود: با توجه به افزایش شکایت‌ها علیه دوستان روشن‌دل، برای دفاع ویژه از حقوق این بزرگواران، دادگاه کورانیت تشکیل شده و همه شکایت‌ها در این مرجع مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این احضاریه از ما به‌عنوان «کله‌گنده کوران» خواسته بودند در فلان تاریخ به فلان‌جا برویم و در فضایی کاملاً آزاد، از دوستان کوردلمان دفاع کنیم که حقشان ضایع نشود.

روز موعود به دادگاه رفتیم و اعلام‌حضور کردیم. قاضی که برعکس تصورات ما بسیار آدم فهمیده و باشعوری بود، رو به ما کرد و گفت: جناب موشکاف! ظاهراً چند نفر از دوستانتان در شهر درگیر شده‌اند و شهروندانی را که قصد راهنمایی داشته‌اند، مورد عنایت قرار داده‌اند. دو عدد دست و پا، یک عدد لگن، یک عدد کمر و یک فقره هم دماغ این وسط شکسته شده که البته دماغ موردنظر متعلق به دوستان شماست. از شما که کله‌گنده این عزیزان هستید خواستیم تشریف بیاورید که یک‌وقت حقی از کسی تزییع نشود. بفرمایید بنشینید تا شاکیان را صدا کنیم!

ما که این مدتش را ندیده بودیم، مبهوت نشستیم. شاکی و متشاکی اول وارد شدند. شاکی گفت: من کارمند مترو هستم. ما وظیفه داریم دوستان نابینا را تا پای قطار راهنمایی کنیم. آن روز که رفتم این دوست عزیز را راهنمایی کنم، هرچه فحش بلد بود نثار من کرد و دست آخر هم من را هل داد زیر قطار. شانس آوردیم راننده لوکوموتیر سیکل داشت و توانست ترمز بگیرد! الان هم یک دست و یک پایم شکسته. گناه من چه بود آقای قاضی؟! قاضی از دوست ما پرسید: چرا این کار را کردید؟

نسل‌مانا

آن روز من کنار خیابان منتظر دوستم بودم که کمی احساس گرسنگی کردم. یک کاسه ماست و یک نان لواش خریدم و کنار خیابان نشستیم و شروع به خوردن نان و ماست کردم که این آقا آمد و یک اسکناس کف دستم گذاشت. من هم لگدی نثارش کردم که بداند با یک انسان محترم و باشعور این‌طور برخورد نکند. شاکی گفت: آقای قاضی! شما جای من! وقتی ببینید یک آدم با این سر و شکل کنار خیابان نشسته و سر و صورتش ماستی است و دور و برش هم پول خرد ریخته شده است، تصور می‌کنید با ایلان ماسک روبه‌رو هستید؟! قاضی رو به متکدی‌نما کرد و گفت: پسر! شما آخرین بار که اصلاح کردید، کی بود؟ متکدی‌نما گفت: عید پارسال. این موضوع چه ربطی داشت؟! قاضی گفت: حمام هم همان زمان تشریف بردید؟ متکدی‌نما گفت: این حرف‌ها به کسی مربوط نیست. من این‌طوری راحت هستم و این بخشی از فرهنگ نابینایی است. به کسی چه من چه می‌پوشم و چه کار می‌کنم. مگر من از شما پرسیدم کی حمام رفتید؟

قاضی رو به من کرد و گفت: موشکاف! توضیح بده! ما با تته‌پته گفتیم: آقای قاضی! راستش را بخواهید چیز است، خب! جامعه با نابینایان آشنا نیست؛ یعنی موانع زیاد است؛ از آن‌طرف متولیان امر همکاری ندارند، از این‌طرف بهزیستی داغان است. تازه! صدا و سیما هم ناجور است؛ درواقع چیز است؛ منظورمان این است که ترجم، یعنی ظلم، نه چیز، کور، منظورمان روشنند!

قاضی گفت: خیلی خب! حرفی برای گفتن نداری، بهتر است سکوت کنی. موشکاف! معلوم است شما دارید چه کار می‌کنید؟! راست می‌گویید به‌جای این همه گیر دادن به ملت بدبخت، بروید کمی روی جامعه فرهیخته خودتان کار بکنید. این که نمی‌شود هرکس به شما گفت بالای چشمتان ابرو است، بگیرید نصفش کنید! این همه جوال‌دوز به کل عالم می‌زنید، یک سوزن هم به خودتان بزنید بد نیست! ما که حقیقتاً حرفی برای گفتن نداشتیم، سکوت کردیم و در افق محو شدیم.

ارادتمند

موشکاف

می‌بریم. شاکی آهی کشید و برخاست و گفت: آقای قاضی! من قانع شدم. دیگر شکایتی ندارم.

دومین شاکی یک راننده تاکسی بود که با ویلچر به داخل آورده شد. راننده محترم گفت: آقای قاضی! ما توی تاکسی برای اینکه حوصله‌مان سر نرود و کلافه نشویم، با مسافرها حرف می‌زنیم و تزه‌های سیاسی‌اجتماعی و اقتصادی می‌دهیم. خداوکیلی خیلی از تزه‌ایمان هم از تزه‌های آقایان بهتر از آب درمی‌آید! آن روز هم ما کلافه بودیم و دل‌مان تزدادن می‌خواست، اما دیدیم این بنده خدا روشنند است و از این چیزها سر در نمی‌آورد، ما هم به عمرمان نابینا ندیده بودیم، برایمان سؤال بود که آیا اینها که نمی‌بینند، چطور خواب می‌بینند! این سؤال را از ایشان پرسیدیم که ایشان هم نه گذاشت و نه برداشت، در ماشین را باز کرد و مرا هل داد پایین. از آن طرف هم یک تریلی آمد و صاف رفت رو کمر ما! روشنند ضارب گفت: آقای قاضی! ما نمی‌دانیم به چه زبانی به این جامعه احمق بفهمانیم که ما می‌فهمیم. من خودم دکتر هستم و کلی چیزمیز حالی‌ام است. هرقدر در ماشین این آقا تلاش کردم که افاضه فضل کنم و به ایشان بفهمانم خیلی حالی‌ام است، ایشان باز برگشت سر خانه اول و با لحنی کودکانه از من سؤال‌های خصوصی پرسید. ایشان با وقاحت تمام از من می‌پرسند: چه خواب‌هایی می‌بینی؟ آقای قاضی! می‌خواهید همین الآن خواب‌هایی را که می‌بینم برایتان تعریف کنم که دیگر هوس نکنید پرسید. آخر این هم شد سؤال؟! راننده این را که شنید، بدون هیچ حرفی از در رفت بیرون.

شاکی سوم را آوردند؛ یک آقای مسن که لگنش شکسته بود! گفت: آقای قاضی! این بنده خدا در حال تکدی‌گری بود. من هم گفتم روشنند است، کار دیگری از دستش بر نمی‌آید؛ ثواب دارد کمکی بکنم؛ برای همین یک پنجاه‌هزار تومانی دادم دستش و گفتم: برایمان دعا کن! ناگهان او آن‌چنان مرا هل داد که افتادم و آنجا بیهوش شدم. الآن سه ماه است که خانه‌نشین شده‌ام و همه‌اش فکرم این است که آخر به کدامین گناه ناکرده!

روشنند متکدی‌نما بادی به غیغب انداخت و گفت: آقای قاضی! من هر روز صدتای این آقا را می‌خرم و آزاد می‌کنم.



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.telegram.com/@naslemana) / واتساپ: ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳ +۹۸

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶